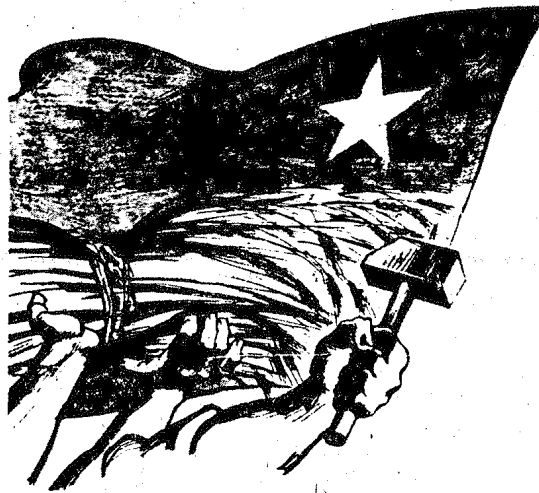


بررسی اوضاع سیاسی و رهنمودهائی به هواداران

اوضاع سیاسی حادی بر میهنمان حکمفرماست. تحولات سیاسی بطرز چشمگیری با شتاب در جریان است. سرعت حوادث و رویدادهای سیاسی و کیفیتی که هر یک از آنها بخود میکوبند، بگونه ایست که وقوع تکانهای شدید سیاسی - اجتماعی را در آینده نزدیک کاملاً محتمل نموده و نشانه های آن از هم اکنون بچشم میخورد. بر بستر بحران اقتصادی ای که چه در رشته های صنعت و تجارت و چه در امور مالی و غیره، کل جامعه را در بر گرفته و تضخ می یابد، در اکثر مناطق، دامنه برخورد های سیاسی (باشد و ضعف مختلف) گسترده تر میگردد.

بقیه در صفحه ۱۸



با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بهاری دیگر است. بهاری پشت آنهمه فریاد خون، سرشار از زلیخندا مید و هلهله شادی. بهاری با شکوفه های هم رنگ خون انبوه شهیدان، بهاری که بر برگ برگ غروب سرما یسه داری نا بودی ستم و استثمار طبقاتی و ظلوع رهائی زحمتکشان نقش بسته است. اما هنوز زلیخند بر لب زحمتکشان گسل نینداخته بود که ناگهان گلوله های ضد انقلاب بر پیکر انقلاب نشست. ستمدج به خون کشیده شد و خلق دلاور کرد که بر بقیه در صفحه ۲

سومین بهار بعد از قیام فرا می رسد. با فرارسیدن بهار و نوروزی که در راه است، قیام سه بهار را پشت سر می نهند بی آنکه با بهار آزادی زحمتکشان دینداری داشته باشد و بی آنکه شکوفه هایش در فضائی تهی از ستم طبقاتی و سرشار از نسیم رهائی شکفته باشد. در جریان انقلاب و بعد از قیام اولین بهار که فرارسید، زحمتکشان بهار را، بهار آزادی و رهائی پنداشتند و با درودهای آتشین بهار را تهنیت گفتند چنان که گفتی این بهار،

شماره ۱۰۳

چهارشنبه ۱۲ فروردین منتشر می شود

در این شماره

جنبش جهانی

جنبش کارگری

از میان نامه های کارگران

از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو

سرکوب خونین کارگران کفش ملی، خشم توده کارگران و زحمتکشان را برانگیخت

از روی تجربه، و زندگی روزمره خود به سیاستهای عوام فریانه جمهوری اسلامی پی می برند. مبارزات کارگران هر روز خادتر می شود. در پی اعتصابات شرکت هوفمن و سپس اعتصاب شرکت تاساف، مبارزه کارگران چرم رختان، ابتدا بر بقیه در صفحه ۴

مبارزات کارگران کفش ملی در ماههای اخیر برای گرفتن خواسته های برحقشان و جبهه ای یافته است. اعتصابات و اعتراضات گسترده ای در واحدهای مختلف کفش ملی شکل گرفته است. توده عظیم کارگران کفش ملی به مبارزه کشیده شده اند. کارگران بتدریج

دهقانان باید خودشان
دست بکار شوند و زمینهای
زمینداران بزرگ را مصادره کنند

صفحه ۹

رهنمود
هاشمی رفسنجانی
به امپریالیستها

صفحه ۱۰

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و

با نگاه داخلش

بایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بهاران خجسته باد

بقیه از صفحه ۱

بیکاری، رنج و تلخی زندگی نباشد. زحمتکشان این بهار را نیز از گرسبها گلدان گلی ارزان، با پارهای نمان و ظرفی خورش، با موشی نقل و بشقاب شیری و اگر تشنگی با لیفنداش داشته باشند گفتم و با زهم جوانه های امید را در اعماق رنج خواهند پرورد و چنین که بنیاد است میروید تا این با ر میا زره ای چنان عظیم را سامان بخشند که برای همیشه اختشما را زمین بر خیزد و تمام فصول سال "بهار آزادی" زحمتکشان شود و عید واقعی آنها فرارسد.

اما امروز در آستانه بهار رسوم و سالی نو، شرایط زندگی توده های زحمتکش صدها بار مشقت با رترو دشوار ترا گذشته شده است اکنون در آستانه سال نو، در حالی که سرما به داران و زمینداران، محتکران و مفت خورها، و استگسان و جیره خواران رژیم حامی سرمایه داران، بیبهای فقر و فلاکت توده ها برای خود عید میگیرند و جشن برپا می کنند، در حالی که بر سفره آنها انواع و اقسام غذا، بر سرمیزهای پذیرائی شان دهها نوع شیرینی، آجیل و میوه گذاشته شده است، و فرزندان آنها در لباسهای رنگارنگ و زندگی تجملی خود فقیر میفروشند، کارگران، دهقانان و زحمتکشان دیگر میهن ما، که زیر بار گرانی رسام و آروسیکاری، با فقر و فلاکت روز افزونی روبرو هستند حتی قا در نیستند یک دست لباس ارزان قیمت برای فرزندان خردسال خود بخرند و کمی شیرینی و میوه تهیه کنند، سال نو را نه با شادی و سرور بلکه با تلخی ناشی از فقر، مصیبت و تنگدستی، با خشم و نفرت نسبت به نظامی که در یک سوی آن ثروت و خوشبختی و در سوی دیگران، فقر و تهیدستی، قرار دارد، آغاز می کنند.

هم اکنون در آستانه سال نو نزدیک به چهار میلیون تن از هموطنان زحمتکش ما بیکارند، و زیر بار فقر و گرسنگی، فقر و خانه خرابی زندگی آنها در خطر نا بودی واقعی است. رشد هراسناک مشاغلی چون دستفروشی، ماشینی شویی، سیگار فروشی و... افزایش گداشی و دزدی که اکنون ابعاد وسیعی بخود گرفته است، حکایت از این فقر، و فلاکت داران است.

از سوی دیگر کمپانی و گرانی کالا های مورد نیاز زحمتکشان بیابان فقر و فلاکت افزوده است. در طی همین چند ماه گذشته قیمت پارهای از کالاهای دوتخته برابر افزایش یافته و ارزش پول بمیزان حیرت آوری کاهش یافته است. اما نه تنها مزد و حقوق زحمتکشان افزایش نیافته، بلکه همان مزد و حقوق اسمی هم با شکل گوناگون کاهش

دستا وردهای انقلاب پای میفشرد در بافت که هنوز تا بهار آزادی راهی خونین در پیش است. خلق دلاور کردی سرخترین گلهای فروریخته بر خاک در بهاری غرقه در خون، یکپارچه مبارزه و مقاومت شد و در برابر تهاجم ضد انقلاب ایستاد و بر آن شد تا از بهاران خونین بگذرد تا بهار آزادی فرارسد.

توده های زحمتکش که در آستانه خونین اولین بهار بعد از قیام، احکامیت را نماند یافته خواست های خود می پنداشتند، در جریان انقلاب و در فاصله سه بهار، از بهاری تا بهار دیگر تا همین بهار زنگه اکنون در آستانه آتیم پرده های وهم و پندار رالایه لایه از چشم برگرفتند و میروند تا واقعیت را به تمام می دریا بند، توده های زحمتکش میهن از واقعیت زندگی و از تجربه های خشن اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دریا فتند و دم افزون در میایند که این احکامیت در تدارک تحقق کامل خواست سرمایه داران است نه زحمتکشان. سدی است در برابر انقلاب و روز به روز بر شدت سرکوب زحمتکشان و نیروهای رزمنده انقلابی می افزاید. زحمتکشان دیدند و سرانجام دریا فتند که چگونه احکامیت بهار کردستان را به خون کشید. دیدند که چگونه در "قارنا" در "قله لانا"، در "ابندر قاش" در شهرها و روستا ها حمله های خون بسراه انداخت. دیدند که چگونه در ترکمن صحرا، با توب و ناک و تنگ ارتشی و پاسدار، خانه های مردم و دلاوران ترکمن را به آتش و خون کشید و به حمایت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ شوراها و ستاد خلق ترکمن را اجتناب فرود گرفت. دیدند چگونه خلق عرب را دسته دسته شکار کردند و به گلوله بستند. دیدند چگونه میازات کارگران، تحمض ها و اعتصابات کارگری را با چوب و چاق و گلوله زیر هجوم گرفت. دیدند چگونه به ضرب شلاق و تحقیر و تکفیر به پایمال کردن حقوق انسانی و سیاسی اجتماعی زنان همت گماشتند. دیدند چگونه دستاوردهای انقلاب، شوراها، مطبوعات آزاد و اندیشه آزاد با هزار نیرنگ و ضربه، پنهان و آشکار به بند کشید. دیدند چگونه ستادها و کانون های نیروهای انقلابی را در محاصره پاسداران گرفت و رزمندگان فدائی و مجاهد و دیگر مبارزان را روانه زندان های جمهوری کرد. دیدند چگونه تمام قدرات و قداره بندهان جمهوری اسلامی به جان مردم افتادند و دست بردار نیستند! و همچنان می بینید که چگونه قانون پشت قانون و لایحه پشت لایحه در حمایت از سرمایه داران و جنایتکاران و مزدوران به تصویب می رسد.

اما زحمتکشان که همواره جوانه های امید را در خفته ترین شرایط تاریخی در اعماق زندگی پرورد، دهاند و در هستی تاریخی خویش جنایتکارانه ترین رژیم های سرمایه داری را فرود کوفته اند و واژگون کرده اند با زهم از بهار طبیعت حتی با دستهای تهی استقبال خواهند کرد. بگذار این بهار هم همچون هزاران بهار بر سفره نوروزی زحمتکشان جز گرسنگی، فقر، بی خانمانی، گرانی

بافته است. کارگران که طی چند ماه اخیر به بهانه این جنگ ارتجاعی تحت فشار و استتار شدیدتری قرار گرفته اند و هزاره با فشار "لزوم افزایش تولید" مواجه بوده اند، و دستمزدها آنها سه بهانه های مختلف کاهش یافته است، زیر بنده ترین فشارها قرار دارند و اکنون این رژیم ضد انقلابی سعی دارد دبه بهانه جنگ، آنان را بسدود "پاداش وعیدی و سود ویژه" یعنی در حقیقت با کسر بخشی دیگر از دستمزدشان به پیشواز عید بفرستد.

دهقانان نیز که از یکسوی زیر بار سنگینی قروض و دیون خود بهار سب و مالک با ننگ و ربا خوار قرار دارند، و هنوز هم در زیر یوغستم زمینداران و مالکین و عدم تأمین، حداقل شرایط زندگی بسر میبرند و بخش از پیش زیر بار گرانی ودهها فشار اقتصادی و اجتماعی دیگر قرار گرفته اند.

کسبه و پیشهوران، دستفروشان و دهکداران که با سوشی زیر فشار سرکوب دولت و از سوی دیگر فشار سرمایه داران، محتکران و تجار دست و پا میزنند، زندگی محقرشان در معرض نابودی قرار گرفته است. کارمندان جزه ادارات و موسسات، در شرایطی بسیار سخت تر از سال قبل قرار گرفته اند آنان با حقوق ناچیز و نا امانت خود (البته اگر در شرایط حذف اضافه کاری، و سایر کمک هزینه ها، کاهش نیافته باشد) با زندگی بسیار دشوار روبرو هستند. و با لایحه مصیبت بار تر از همه شرایط زندگی نزدیک به دو میلیون آواره جنگی ست که در اثر سیاستهای ضد انقلابی و ارتجاعی دولت ایران و عراق در بدو شهرها شده و در نهایت فقر و مسکنت از حداقل غذا و پوشاک و بهداشت و سرپناه محروم اند. جنگی که تا کنون هزاران کشته و زخمی بهار آورده است و در آستانه سال نو، صد ها خانواده را در سوگ فرزندان خود غرق نشانده است، جنگی که تمام زندگی و هستی بخشی از زحمتکشان میهن ما را در زیر تلی از خاک مدفون کرده و هزینه کمرشکن آن بدوش توده ها افتاده است. و این همه مصیبت و بدبختی برای توده های زحمتکش میهن ما شمره و آرمغان نظام سرمایه داری و دولت حامی سرمایه داران است. دولتی که بجای پاسخگویی حداقل خواستهای زحمتکشان، به سرکوب، شکجه کشنار، ترور، اختناق و زندان متوسل شده است، دولتی که هم اکنون صدها تن از فرزندان خلق فدائی، مجاهد و نیروهای انقلابی دیگر را در زندانهای خود ببند کشید و میگوید هر صدای برحق زحمتکشان را در گلو خفه کند.

آری، چنین است وضعیت حاکمین سرمایه داران ما و زندگی زحمتکشان در آستانه سال نو، و چنین است که توده های مستبدیده، محروم و مبارز میهن ما در آستانه عید با دستهای خالی از نان و آزادی و با این همه سرشار از کینه و خشم با استقبال بهاری تازه میشتابند. بهاری که همچنان از خون دلاوران میهن، از خون رزمندگان کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و فارس و از خون صدها انقلابی، کارگر و دهقان و روشنفکر انقلابی گلگون است ●



گزارشی از معدن قلعه زری بیرجند

معدن قلعه زری در جنوب بیرجند در حاشیه کوهزوت قرار دارد. این معدن در حدود ۱۵۰۰۰ کارگر دارد. محلکار کارگران، تونل‌های طولانی میباشند که حدود ۱۷۰ متر درازا دارد و پیراژکل وانی است. تاکنون ۱۵ نفر از کارگران بر اثر شش‌خشک‌زدی مرده‌اند، هر سگ جان خود را از دست داده‌اند. روسای ز الوصفت معدن بجای فراهم نمودن وسایل بهداشتی و ایمنی، فقط بدادن مقدار ناچیزی شیرخشک اکتفا میکنند. با این شرایط کار طاقت فرسا، حداکثر دستمزد روزانه ۸۰ تومان میباشد. سرما به داران با استسما روحیانه معدنچیان قلعه زری، مبالغ هنگفتی سود می‌برند، ولی همیشه بدنیال شیوه‌های گوناگونی هستند که دستمزد اندک کارگران را نیز غارت کنند. در زیر به نمونه‌ای از این شیوه‌های ضدکارگری و مبارزه کارگران با آنها اشاره می‌کنیم:



جنبش کارگری

نستند. آنان طی مبارزات پیگیر خود به این واقعیت پی برده‌اند که تنها با اتحاد و تشکل در شورای واقعی خود می‌توانند حقوق خود را از سرمایه داران بگیرند.

پیروزی کارگران

کارخانه نیتینگ

کارگران شیفت کارخانه نیتینگ واقع در شهر صنعتی البرز برای دریافت حق شیفت مورد نظر خود پس از یکسازره پیگیر و تهدید به خوابیدن کار به پیروزی رسیدند.

در پی موفقیت کارگران بخش بسته بندی در تاریخ ۵۹/۱۲/۸ که توانستند ۵٪ حق شیفت مورد نظر خود را در ازای دو شیفت کار دریافت نمایند، کارگران سه شیفتی نیز خواهان اضافه کردن حق شیفت خود شدند. آنها با اعتراض به کم بودن ۱۰٪ خواهان افزایش آن به

۱۵٪ بودند. این مسئله را با شورای کارخانه مطرح میکنند. شورا برای رسیدگی به این مسئله تا چهارشنبه فرصت میخواهد. روز چهارشنبه هیچ خبری نمیشود. در مقابل اعتراض کارگران شورا یک روز دیگر نیز مهلت میخواهد. اما روز پنجشنبه هم خبری نمیشود. کارگران که از این مسئله به خشم آمده بودند اعلام میکنند از روز شنبه در شیفت شب کار نخواهند کرد.

روز شنبه همه کارگران با روحیه‌ای قوی سرکار حاضر شدند. یکی از کارگران میگفت: "اگر اینبار هم شکست بخوریم

اگر روسای کارخانه این مزدوران - سرما به داران، از ۱۲۰۰۰ تومان سود ویژه ای که در سال ۵۸ بهر کارگر تعلق میگرفت، فقط ۲۰۰۰ تومان برداشت نمودند.

اما کارگران برای آنکه بتوانند حق خود را از لحاظ حقوق سرما به داران بیرون بکشند، شورای خود را تشکیل دادند و با فشاری و بی‌گیری توانستند حقوق از دست رفته خود را بگیرند.

۲ - از آغاز جنگ تاکنون هر ماه یک روز از حقوق کارگران را ستان میکنند، به جنگ زدگان!! کسر میکنند. در مجموع ۶۰۰۰۰۰ تومان از حقوق کارگران کم کرده‌اند. غریب‌های اعتراض معدنچیان قلعه زری بلند شده و می‌برسد که این سولها به جیب چه کسانی رفته‌است و چرا احتک ردگان هنوز آواره و سرگردانند؟

۳ - مورد نیاز کارگران بوده‌است. چندی پیش رئیس معدن قیمت کتند را افزایش داد. او در مقابل خواست برحق کارگران مسمی بر کاهش قیمت کتند! بسته‌باد. کارگران که وضرا چنین دیدند مدیر ضدکارگر را بندت کتنگ زدند. بطوریکه سرش ۸ بخیه خورد. سرانجام رئیس معدن در برابر کارخانه در مقابل میبذارت کارگران عقب نشینی کرده و قیمت کتند را ۲۲ ریال به ۵۰ ریال لکاهش داد.

معدنچیان قلعه زری همانند دیگر کارگران معدن در تبریز، دروغ‌سازان کار میکنند. در آنز شش کرد و غیب‌ساز معدن در معرض بیمه‌ریهای خطرناک ربه ... قرار دارند. همیشه مرکز و درش در انتظارشان میباشد. کارگران بخاطر خونی و ولع سرما به داران از هیچگونه امکانات بهداشتی و ایمنی برخوردار

دیگر روی ما حساب نمی‌کنند هر طور شده با بیدار شدن دگی کرد. ما پیروز می‌شویم اینر تا ریح‌ما آموخته‌است. با لافره پس از درگیریهای مختصر و صحبت‌های مختلف در ساعت یک و چهل و پنج دقیقه بعد از ظهر شورا اعلام میکنند مدیریت با خواست شما موافقت کرد. کارگران که پی برده بودند سرما به داران و عوامل آنهاستهار برفشار متحدانه کارگران مجبور به عقب نشینی میشوند پیروز و سرفراز کارخانه را ترک کردند و در بین راه به یکدیگر تبریک میگفتند.

کارگران مبارز نیتینگ یکبار دیگر نشان دادند که چگونه عوامل رژیم جمهوری اسلامی درون کارخانجات را که برای حفظ نظام سرما به داری با تمام قوا میکوشند، با بدیه عقب راند. اتحاد و مبارزه متشکل کارگران سربیسروزی است. بکوشیم تا با ایجاد تقویت و انقلابی کردن شوراها مبارزه را هر چه بیشتر به پیش ببریم.

اخباری از شهردگان

جنگ دست‌آویزی برای استثمار بیشتر کارگران و زحمتکشان

شهرداری شادگان حدود ۲۵ تن از کارگران شهرداری آباد را بوعر مشهور راجهت نظامت خیابانها، فاضل آنها، بردن زیاله‌ها و... بطور موقت بکار گمارده‌است. این کارگران همگی از زحمتکشان عرب هستند. اکثر آنها در چادر در وضعیت بسیار سختی زندگی میکنند و از ابتدائی ترین امکانات زندگی محروم‌اند. برخی از کارگران در روستا زندگی میکنند و برای رسیدن به محل کارشان ناچارند ساعت ۵ صبح از خانه خارج شوند. پس از کار سخت روزانه با بیدر صاف‌های مختلف برای گرفتن نان و نعت و... بايستند. بخاطر مزد ناچیزی که دارند، در ازای برخی مواد غذایی چون برنج که با سهم جنگ زدگان تقسیم میشود از آنان پول میگیرند. کارگران با حقوق ناچیزشان قادر به تأمین خود و خانواده‌شان نیستند. کارگری میگفت: "روغن و شکر و تاپسد و... کم شده و ناچارها همه‌اش روغن پیم کردن تا گرانتر بفروشد، شکر کیلوئی ۱۵ تومان، روغن کیلوئی ۱۵۰ تومان و همینطور بلامیرود، اینها همه‌اش به بنفع مقامات و گردن کلفتهاست. فقط بدبختی برای ما کارگران میماند." حال با بیدار رژیم جمهوری اسلامی پرسید پول و وسائلی که با سهم جنگ زدگان جمع میشود، و بگردد حقوق کارگران که در اکثر کارخانجات کسر شده‌است بکجا میرود؟! * * * *

گروه ۲۲۵ طرح گسترش مسئول، ساختن دوسالین برای تربیت بدنی بقیه در صفحه ۴

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

سرکوب خونین کارگران

بقیه از صفحه ۱

علیه دونفر از مدیران جدید که یکی به سمت مدیر تولید دیگری به سمت رئیس کارگری انتخاب شده بودند آغاز شد. کارگران به انتخاب این دونفر اعتراض داشتند. زیرا کارگران به ما هیت ضد کارگری این افراد بی پرده بودند مدیرعامل گروه آدرین "کام خوش" یکی از مدیران مکتبی است که اینک جایگزین مدیران لیبرال قبلی گروه شده اند و دستور می دهند که سایر شرکت های گروه از خرید و فروش با شرکت چرم رخشان خودداری کنند. او با اصطلاح "شرکت چرم رخشان را معا صره اقتصادی می کند." اما سایر شرکتها از جمله شرکت یونا تید تحت رهبری شورا به خرید و فروش با شرکت چرم رخشان ادامه می دهد بدین ترتیب اتحاد شوراها مدیرعامل راناکام گذاشت. او دستور قطع پرداخت حقوق ما ها نه کارگران را صادر کرد اما ما مبارزات متحد و یکپارچه کارگران با هدایت شوراها مدیرعامل را وادار به عقب نشینی کرد. کارگران دزدا ما مبارزات خودخواهان پرداخت سود ویژه وعیدی و پاداش بودند.

ادامه مبارزات کارگران و سرکوب خونین رژیم جمهوری اسلامی

شورای مرکزی گروه ۲ ماهه و ۲۰ روز سود ویژه را برای کلیه کارگران تصویب کرده بود. کارگران تمام شرکتها خواهان پرداخت سود ویژه به میزان ۲ ماهه و ۲۰ روز بدون لغومزایا و... بودند. کارگران چرم رخشان در ادامه مبارزات خود، نما یندگان شورا را جهت مذاکره نزد مدیرعامل می فرستادند. مدیرعامل گروه حاضر به پرداخت یکما حقوق بدون

هیچگونه پاداش و مزایا می شود. کارگران از تصمیم هیئت مدیره به ختم آمده با مدیرعامل درگیری می شوند. در پی این جریان ۲ نفر از نما یندگان شورا دستگیر می شوند. سایر نما یندگان شورای مرکزی از نما یندگان زندانی حمایت می کنند. بدستور هیئت مدیره ۲ نفر دیگر سر از نما یندگان شورا دستگیری می گردند. مبارزات کارگران با شرکت ها به شکل اعتصاب و جلوگیری از خروج تولید آغاز می شود.

حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران در محوطه کارخانه دست به راهپیمائی می زنند. آنها خواهان آزادی نما یندگان زندانی خود می شوند. کارگران سپس با جلوگیری از خروج ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره دست به تجمعی می زنند. نیمه شب چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ پاسداران سرمایه به محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور به داخل سالن تجمع کارگران، قصد متفرق کردن کارگران را داشتند. کارگران متحداً مقاومت می کنند. پاسداران سپس متوسل به تیراندازی به سوی کارگران می گردند. ضرب و شتم کارگران آغاز می شود. در این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای دیگر نیز دستگیری می شوند. از روز شنبه ۵۹/۱۲/۱۶ کارگران به اعتراض علیه این حمله وحشیانه پاسداران برخاستند. مبارزات کارگران بشکل اعتصاب، جلوگیری از خروج تولید و کم کاری ادامه داشت. روز دوشنبه کارگران موفق می شوند بخشی از سود ویژه را از جیب مدیران دولتی حا می آنها در آورند. اما کارگران به مبارزات خود تاهائی نما یندگان زندانی ادامه خواهند داد. رژیم جمهوری اسلامی می بیند که با دستگیری چند نما ینده و سرکوب کارگران قادر نخواهد بود صف متحد کارگران را درهم شکنند. اما غافل از اینکه کارگران کفش ملی دارای سابق درخشان در مبارزات کارگری هستند. آنها حتی

در سالهای سیاه دیکتاتوری شاه، به ویژه در سالهای ۵۰ و ۵۲ اعتبارات گسترده ای داشتند. اعتبار ۵۰ ساله نزدیک به دو ماه طول کشید و اعتبار ۵۲ بطور وحشیانه ای سرکوب شد. همین کارگران بودند که رژیم منصور پهلوی را به زباله دانی تاریخ فرستادند. سرکوب خونین کارگران کفش ملی در روز چهارشنبه ۵۹/۱۲/۱۳ خاطره سرکوب وحشیانه رژیم را در ذهن کارگران رنده می کند.

آنها اینک شاه و در شرکتگی و سیاسی اعتباری سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی هستند. رژیم که در اروپا روری بسیار بوده های پیدا شده کارگران چاره ای جز سرکوب نمی بینند. اما اگر رژیم منصور شاه نتوانست با سرکوب کارگران پایداری بماند، رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست. کارگران مبارز کفش ملی اینک با پیدای اتحاد یکپارچه خود مبارزه و برای آزادی نما یندگان زندانی به پیش برند. آنها با پایداری حفظ و تقویت شولهای خویش در تقویت شورای مرکزی گروه بکوشند، تا بتوانند با هدایت شکل های انقلابی خویش نما یندگان خود را از زندان رژیم جمهوری اسلامی آزاد سازند.

جنگ دستاویزی برای...

بقیه از صفحه ۲

شادگان میباشد. این گروه ۳۰ کارگر استخدا کرده است که اکثر آنها روستائی جنگ زده و پاداش آموزش و به از ۸ ساعت کار روزانه ۸۰ تومان حقوق میگیرند. در تاریخ ۵۹/۱۲/۴ مهندس غفوری بیما نکا رگروه کارگران می خواهد که بدلیل شرایط جنگی روزی دوتا ساعت اضافه کار کنند. کارگران میگویند: "ما اکثر روستائی هستیم و نمیتوانیم یا زده ساعت کار کنیم، بهتر است برای سرعت کار کارگران بیشتری استخدا نکنید." حاضر به اضافه کاری نمیشوند. مشا جره بین آنان و بیما نکا با لامیگیرند، مهندس غفوری میگوید: "کارگر جنگ زده و بیما را نقد در زیاده است که اگر قبول نکنید، از آنها بجای شما استخدا می کنیم." حکم اخراج پانزده تن از کارگران معتبر رسامیدند. کارگران که اعتراضات را به شدت میدانستند از او به فرمان نداری شهر شکایت میکنند. فرماندار ضمن حمایت از غفوری میگوید: "ما در حال جنگ هستیم و کسی حق کار شکنی ندارد." و به کارفرما پیشنهاد می کند که بجای پانزده تن کارگران خرا جی، کارگران دیگری استخدا کند. بیما نکا رگروه از حمایت فرماندار شهر برخوردار میشود با کمال بیشرمی با چاقوبه کارگران حمله ور میشود. کارگران در جریان این قضیه یکبار دیگری بر دنده کارکنانهای دولتی حافظ منافع سرمایه داران هستند که کارگران آنها پی می برند که جنگ وسیله ایست که سرمایه داران و دولت حامی آنان برای استثمار بیشتر و سرکوب کارگران از آن استفاده میکنند.

دیروز سرکوب زحمتکشان شرکت واحد امروز سرکوب خونین کارگران کفش ملی

کارگران و زحمتکشان مبارز

کارگران کفش ملی در روز ۵۹/۱۲/۱۳ در اعتراض به دستگیری عده ای از نما یندگان شورا و مقدار وعیدی و پاداش دست به تحصن میزنند، نیمه های شب پاسداران سرمایه با محاصره کارخانه، پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی تجمع کارگران را بخون میکشند. آنها با ضرب و شتم وحشیانه کارگران عده ای را مجروح و تعدادی را نیز دستگیر میکنند. در شرایطی که فشار رنای ازگرانی، کمبود، بیکاری و... کم کار کارگران و زحمتکشان را خیم کرده است، رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خونین کارگران کفش ملی، یکبار دیگر حمایت بیدریغ خود را از سرمایه داران نشان داد. با تمام قوا به مقابله با اقدامات سرکوبگرانه رژیم برخاستند و متحد و متشکل مبارزه را برای کسب حقوق خود را گسترش دهیم.

پرتوان باد مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران



هر چه زودتر پرداخت باید گردد.

این کارگران در رابطه با تعیین سودویژه توسط شوراها در تراکت دیکری نوشته اند:
"تنها شکلهای واقعی کارخانه ها حق دارند مبلغ سودویژه را تعیین کنند. دولت باید بر اساس تصمیم این نمایندگان واقعی، سود ویژه را در کوتاهترین مدت پرداخت کند."

تهران

کارگران پیشرو صنایع دفاع خرنما مه شماره خود را منتشر کرده اند. در خیرگی از مهماتسازی آمده است: "عین از مستشاران آلمانی به بهانه تکمیل طرحهای نیمه تمام دوهفته قبل به کارخانجات مهماتسازی آمده اند. احتمالاً فرد دیگری نیز بودی به این عده می پیوندند. سرپرستی مستشاران آلمانی را شخصی بنام "مرشل" بعهده دارد. وی در زمان شاه خائن نیز سرپرست مستشاران آلمانی مهماتسازی بود."

"پیروزی در مبارزه است" نام اعلامیه ای است که کارگران پیشرو با فکر منتشر کرده اند. در این اعلامیه پس از شرح مبارزاتشان که طی آن توانسته اند دو ماه سودویژه را رودر باز موعد بکنند، می نویسند: "اما ما میدانیم که نه لطف مدیر عامل و نه فعالیت شورای کارگران یکسان مبارزه کارگران در این کارخانه و سایر کارخانجات موجب شد که از سال سودویژه پرداخت شود. بنابراین کارخانجاتیکه کارگران مبارز پیشرو کردند و شوراها و واقعی خود را داشته اند، سودویژه ای معادل سه ماه و کاهشی

تا چهار ماه دریافت کرده اند. مثلاً در کارخانه های سیمانی، سیمان تهران، کارخانجات صنعتی توران، باری الکتریک، فیلور و صنعتی دیگرا کارخانجات بالاراز سه ماه بوده است. و در بسیاری می افزایش یافته است. پس بگوئیم: با سوخود آوردن شورای واقعی که از منافع محامیت کنند از حقوق خود دفاع مقابل مدیران و سرمایه داران دفاع کنیم."

کارگران پیشرو شوکو ماریس در قسمتی از اعلامیه خود با عنوان "سودویژه که قسمتی از دستمزدها است پرداخت باید کرد" گفته اند: "هر روز که میگذرد روشن میشود که دولت جمهوری اسلامی از منافع سرمایه داران دفاع میکند. ما تنها با مبارزه و اتحاد دیگران، خود میتوانیم دولت سرمایه داران را از سر نو در آوریم. و در بخش دیگری می نویسد: "ما باینده شورا در مجمع عمومی گذشته اعتراف کرد که سودا سال از سود هر یک از سالهای ۵۶-۵۷-۵۸ دستبرداشت. بقید در صفحه ۶



از: اعلامیه ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

خواستار صد کارگری مقاومت کرده و یکداریم که انقلابیون احراری را از خانه های سازمانی بیرون کنند. ما ضمن محکوم کردن این عمل خوارانه تحلیله خانه های سازمانی را با او تکیه ها و افراد مدکارگرو آن عده که دارای جای شخصی می باشد هستیم.

اصفهان

کارگران پیشرو ذوب آهنی در اعلامیه ای تحت عنوان "شوراها و واقعی سبک زندگی" شوراها را مدعیان کارگران می نامند. سرمدون سخنان مدسورانی بی صدا، احدی را در روزهای مبارزه با منابع فولاد، مدیریت و اتحادیه انجمنهای اسلامی که همه از غیرناتومی بودن شوراها حرف میزنند، می نویسند: ما میگوئیم: شوراها همان اتحادیه عملی و همسنگی کارگران بر علیه سرمایه دارانند. چون شوراها سرمایه داران را در دل ندارند، چون شوراها واقعی سبک زندگی کارگران و زحمتکشان بر علیه سرمایه داران و دولت حامی آنهاست. پس تا نویسیم. و فقط این تا نویسی مقدس است که دارای منافع کارگران و زحمتکشان است. و در پایان اعلامیه آمده است: "بگوئیم با طرد سرمایه داران و عواید او سرمایه داران و اتحادیه انجمنهای اسلامی نباید که بخواهند خود را انتخاب و شوراها و واقعی خود را برپا کنیم"

اراک

کارگران همکاران سازمان در تراکتی می نویسند: "سودویژه یعنی ویادای خنده خاکشسته نیست. دینی آردردی ما نباید سرمایه داران آرد بسپرد کارگران است"

تبریز

کارگران پیشرو تبریز در رابطه با مسئله اخراج اسبابا دومین اعلامیه خود را با عنوان "مسئله اخراج اسبابا و موضع ما" منتشر نموده اند. در این اعلامیه ضمن اشاره اخراج کارگران انقلابی و بارگرداندن عده ای از آنان که همب بوده کارگران برشمود هسای زیر آرا را ننداده اند:

۱- تا آگاهی بداس مسئله که بدون خواسته بوده های کارگران کمیت احراریون انقلابی غیرممکن است تا بدستگیر شدن از بازگشت بفره احراریان انقلابی تلاش ما کنیم. ۲- تا با دارا سیاسیهای ضد کارگری، تا که در گذشته ای از این سرمایه داران گرداندن سازمانها و افراد مدکارگرو این حکومت چلوکتری می باشد. ۳- جنون نمایانم علیه کارگران انقلابی به حدی که آنان اسم از این شایسته که در کارخانجات با زکند اند و با سایر رتبه ها از بازگشت آنها بفره کارخانجات چلوکتری میسر نشده است. پرداخت کرد.

۴- سازاکیها و مدسوران نامشروع که ما لایق. تلاؤد بر حقوق و براسای رسانی که میگوئیم، با آدابها و سودهای کلان برای اعمال خود کارگری خودتو فرماید تا با حقوقی برای آنان معلوم دریافت کند.

۵- کارگران انقلابی که در کارخانجات دیگر مسئول بوده و با سرمایه داران سرمایه داران با بدست میزنند کارخانجاتی که در این اعلامیه معلوم در این باره منتشر شده اند را گردانده

۶- قسمت جدید خود را برپا کسب آری بدای ندهای که خود را زود آسپا بدای رجا محاب مماست مسود نموده است که با او احرار فروردین ما در این رجا بدای سازمانی میگوئیم شورا بطلیه کسب. ما با بدست لایق

برای مقابله با نوطه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



۲- وضع شورا و انجمن اسلامی کارخانه
اگر وجود دارد... و مختصری از حرکت
گذشته آنها تا امروز.

رفیق کارگری نامه ای خطاب به
"اکثریت" نوشته و خواستار درج آن
در "کار" گردیده است. در این نامه
ضمن افتنای "خیانت آنها به گذشته پر
افتخار" رزمنده و خوبین سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران را اینکه
اکنون "همان راه حزب توده، خائن و
سازشکار" را پیش گرفته اند، "راهی
که فدایی خلق در مبارزه با آنها
بوجود آمد"، به سیاستهای کارگری
آنها نیز برخورد شده است. رفیق
کارگرمان که با پوست و گوشت خود دچار
ضدکارگری، افزایش تولیدمسئار
کارگران، اغلال در تولیدمسئار
سرمایه داران، "اکثریت" را درک -
میکنند، آنرا خدمت بزرگی به سرمایه
داران دانسته است. ضمن درج قسمتی
از این نامه لازم است اضافه کنیم که تنها
اخبار مبارزاتی کارگران، مندرج در
شریبه کاربیز نشان میدهد که چگونه این
شاعر مورد اعزاز بخش عظیمی از
کارگران قرار گرفته و آنها خود بهترین از
هر کسی تشخیص داده اند که این شعار تبلیه
منافع آنان و شعار سرمایه داران است.
رفیق کارگر در قلمنتی از نامه خود چنین
می نویسد:

اصلاً من یک کارگر می گویم...
یعنی دانید فدائی یومی چه فدائی یعنی
با مردم زخمی بکنی بودن... و تقسیم و
بدبختی با انسان شریک بودن فدائی
یعنی نه توده درین دادن بخاطر بساد
دادن و بهتر زینت و ازین بسادگی رها

از کلبه کارگران ایران میخواهیم
که همچون غیرنکاران کارگری در نامه -
های خود حتی جزئی ترین مسائل و
مشکلات مبارزاتی از جمله شکلگیری
شوراها و برگزاری مجمع های عمومی و...
بملاوه خواستها، نظریات و احساسات
کارگران در مورد مسائل کونا کون جامعه
و کارخانه، همچنین ستمها نیکه به آنها
روا می شود را برای ما بفرستند.

برای ما بوسیله کارگران چگونه
در برخورد با مسائل کونا کونی به
باهیت دشمنان نشان برده و به صفوف
کارگران آگاه و پیشرو می پیوندند.
بهمراه اینها ملما توضیح موارد
زیور در نامه های شما از اهمیت ریاستی
برحوردار خواهد بود.
۱- وضع مالکیت کارخانه - دولتی یا
خصوصی - نام صاحب کارخانه یکتا
مدیر.
۲- نوع تولید کارخانه و حدود میزان
آن - تعداد کارگران مردوزن.

شدن. اما من چون هستم را برای
سازمان پرافتخار چریکهای فدائی خلق
می دهم و در این راه فدائی فدائی خلق
می شوم و سوگند میدهم که هرگز فدائی
همیشه پایدار راه فدائی همیشه رنده و
راه فدائی همیشه پیروز است و شما که
خودتان را رهبر سازمان فدائی خلق
اکثریت جا زدید با این شعارتان که کار
بیشتر شعار کارگران و کارکنان
سرمایه داران، آقای اکثریت کدام
سرمایه دار بیشتر دلش برای کارگر
سوخت گفت بیایان مؤذرا یکری کمتر
کارکن شما با این شعارتان امتیاز
بزرگی به سرمایه داران دادید و
حیث گشادگان را برمی کنید.

یک کارگر می گویم...
دو هفته که چون...
در میدان جانم...
و دستم را...
فدائی خلق...
چاپار...
مهر و تان...
که در...
تمام...
بزرگ...
دوب...
دوست...
دوست...
دوست...

ما هیت سرمایه داری
و عوام فریبی او را نسبت به حمایت از
با اصلاح مستضعفین نشان میدهد.
کارگران پیشرو و زوین در اعلامیه
دیگر خود بنام "سودویزه حجت و حرا"
دولت جمهوری اسلامی آرا لگو کردند.
ضمیمه بوسیله و افشای ما هیت قانون سود
و نژده گفتند:
همه ما با خود بودیم که دولت سرمایه
داری شاه برای سندناسم کارگران
بحای افزایش دستمزد، قانون سود
ویزه را بحوری که خود می خواستند
اجرا کنند و امروز ما هیت که دولت
جمهوری اسلامی سرمایه داری دروس -
دیگری متوسل شده و برای کسب
رہایت سرمایه داران و نه مستضعفین
مقابلت با کسری سود کرده، باسی از نظام
سرمایه داریست و با شروع جنگ
افزایش با افسد، و حقوق ما چیرما
بویست می آزد و بدساید خرام و
ظلم غویس بودن سودویزه و حرا
اصحاحی، جنگ و خواران سها شد
دیگرا، دادن حقوق ما جلوتگیری
می کنند. و سن می آزد...
محدومیم را از طریق سها سندان
زادعی خود سودویزه آگه قسمتی از
دستمزد ما را دست گرفتیم.

میخواهد همان سند را زمان شاد را
بعنوان یادگار بماند دهد. و در بیان
می افزایند:
"دوماه یادداشت و عیدی حق مسلم ما
کارگران است."

قانون

کارگران پیشرو و زوین در این ماه
دو اعلامیه در رابطه با مسئله سودویزه
منتشر نمودند. در یکی از آنها با
نعت عنوان "لغو سودویزه - غسارت
دستمزد کارگران توسط سرمایه داران
و رژیم جمهوری اسلامی" آمده است:
"هر ساله ۸۰۰ هزار کارگر حدود ۴/۵
ماه از دستمزد سالانه خود را بحسب
عنوان سودویزه و عیدی از سرمایه
داران می گرفتند. اما با مال طسقی
تصویب شورای انقلاب سودویزه لغو
و بحای آن دوماه عیدی به کارگران عیدی
میکردند. این رژیم سبب ۴/۵ سها
سودویزه ۲/۵ ماه ۴۰۰ سها است. اکبر
حقیر، متوسط در کارگر را سها بر سومان
در ماه در نظر بگیریم، بطور متوسط هر
کارگر در سال ۱۵۰۰ سومان دستمزد
کسب گردیده که برای ۸۰۰ هزار کارگر
پولتی برابر با ۶۰۰ سها در سومان مسود
در واقع این بوری رژیم سبب سبب
الامی در زندگی ما چرمکنان سبب

از اعلامیه ها

است. یعنی با یک حساب ساده بنظر
میرسد سال با یستی سود بیشتر
بگیریم. در حالیکه سال گذشته سها
سودویگما عیدی گرفتیم. امسال سود
و عیدی را به دوماه کاهش داده اند.

"دوماه یادداشت و عیدی که قسمتی از
دستمزد ما است، پرداخت باید کرد."
کارگران پیشرو و شهرک اکباتان در
اعلامیه ای با این نام خطاب به
"دوستان کارگر" خود می نویسند:
"در این شرایط کدامیک از ما که از شیر
وده خود در سال کار آواره شد و در
بدترین وضعیت زندگی در بلوک های
جوسی و سمانی دور آرزو و جبه خود
زندگی میکنیم، میوایم با این
حقوق ناخیر زندگی خود ما باواده ما
را با امر کنیم. و در ادا مدیسا
آزاده ایگد یا دانش جزئی از حقوق
کارگران است. منکوسند: حال
چگونه است که دولت جمهوری اسلامی
که آرام ما با مایوق و کرنا سبب
مستضعفین را دستن میرند. در
کارخانه سودویزه را نظم کرده و در
شهرک های ما اجتماعی نظیر اکباتان

دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



مبارزات کارگران جهت کسب سود ویژه اوجی نوین در مبارزات طبقه کارگر ایران

بحران حاکم بر جامعه روز بروز شدید تر می شود. جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق نیز از این بحران را دامن میزند. رژیم جمهوری اسلامی که حامی منافع سرما به داران و زمینداران است سعی می کند با رایب بحران را هر چه بیشتر بدوش کارگران و زحمتکشان بپندارد. بهمین دلیل است که توده ها روز بروز بیشتر تحت فشار کمتر شدن زندگی قرار می گیرند. گرانی و تورم پیدا می کنند. دستمزدها چیز زحمتکشان دیگر حتی کفاف حداقل زندگی آنها را نمی کند. در این شرایط توده ها کارگران و زحمتکشان نسبت به حاکمیت بسیار سربرخیزانتر از قبل فرو می ریزد. کارگران اینک در مقابل بپوش روز افزون سرما به داران به حقوق اولیه خود، مبارزات خود را روز بروز عمق و وسعت می بخشند. آنها در این راه از تجربیات کارکنان جهانی که از قیام تاکنون آموخته اند بیشترین استفاده را می کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که مبارزات اوجگیرنده کارگران را روست چون دیگر عوامل فزاینده ای خود را بی اثرتر می بیند سیاست سرکوب خود را شدت بخشیده است. سرکوب کارگران شرکت واحد و سرکوب خونین کارگران کفش ملی با ردیگر حمایت بیدریغ رژیم از سرما به داران را نشان داد و چهره کریه و سرکوبگر حاکمیت را بیش از پیش برای کارگران روشن نمود.

امانه عوام فزاینده و نه سرکوب هیچکدام قادر نیست جلوشد مبارزات کارگران قهرمانان ایران را بگیرد. اینک بیش از دو ماه است که موج اعتراضات و اعتصابات وسیعی برافشاده است که محور عمده این مبارزات کارگران کسب سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. نمونه های بسیاری از مبارزه پیگیر کارگران در جهت دستیابی به این خواسته های برحق در دست است.

اعتصابات در کارخانجات رنو، پارس متال، ایران الکتریک و جم... نمونه هایی از این مبارزات گسترده برای سود ویژه، عیدی و پاداش می باشد. در کارخانه رنو از روز شنبه ۱۶/۱۲ - کارگران بمدت دو روز دست از کار کشیدند. آنها در مقابل قول مدیرعامل مبنی بر پرداخت سود ویژه تا چهارشنبه بسرکارها زگشتند. روز چهارشنبه مدیرعامل از پرداخت سود خودداری میکند. کارگران دو روز دست به کم کاری زد و تولید کارخانه را از ۲۰ درصد استگا به ۲۰ درصد میرسانند. مبارزه با لایحه مدیر را به عقب نشینی و ادارا ساخته و کارگران موفق به دریافت دو ماه سود ویژه میگردند.

در کارخانه پارس متال روز چهارشنبه ۲۳/۱۲ کارگران بغا طرد ریافت حقوق عقب افتاده خویش بمدت یک ساعت ونیم دست به اعتصاب میزنند. آنان در همان روز موفق به دریافت حقوق میشوند. در ادامه مبارزه روز شنبه ۱۶/۱۲ برای عیدی و پاداش مجددا بمدت دوساعت

اعتصاب میکنند. مدیرعامل قول میدهد که تا دو هفته خواست کارگران را بر آورده کند. کارگران همچنان مصمم هستند تا رسیدن به خواست برحقشان به مبارزه ادامه دهند. در کارخانه ایران الکتریک نیز کارگران برای سود ویژه دو روز اعتصاب می نمایند. آنان در مقابل توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی تاکنون یکبار چاره ایستادگی نموده اند. آنها مبارزه را پیگیر تا رسیدن به حقوق خود ادامه میدهند.

در کارخانه جم روز چهارشنبه ۱۷/۱۲ کارگران بکروز دست به اعتصاب میزنند آنها برای بدست آوردن سود ویژه نمایندگانی به وزارت کار می فرستند. وزارت کار به آنها جواب سر بالا داده و کارگران بار دیگر دفاع وزارت کار را از سرما به داران به عینه می بینند. آنها عمل مستقیم و انقلابی خویش را یکانه راه رسیدن به خواسته هایشان دانسته و به مبارزه ادامه میدهند.

در کارخانه باطری سازی کارگران در ادامه مبارزاتشان و پس از بی جواب گذاشتن خواسته هایشان، به اقدام انقلابی روی آورده و جلوی خروج تولید را میگیرند. آنها موفق میگردند به بخشی از سود ویژه مورد درخواست خود دست یابند.

در کارخانجات تبریز از جمله ما شین سازی، لیفت تراک و کمپیدور نیز کارگران خواهان سود ویژه و عیدی و پاداش میباشند. کارگران مبارز کمپیدور در اعتراض به سود ویژه و طرح طبقه بندی و با شعار "سود ویژه پرداخت با بد کرد" دست به اعتصاب میزنند. مبارزه آنان همچنان ادامه دارد. کارگران مبارز ما شین سازی نیز به میزان سود ویژه معترض میباشند. آنها به نقش و اهمیت شوراها پی برده اند. کارگران میگویند: شورای انقلابی ما در سال گذشته مدیریت را وادار کرد که بودجه حداقل به هر کارگر ۱۱ هزار تومان پرداخت کند. آنان مبارزاتشان را برای کسب خواسته هایشان ادامه میدهند. مبارزات و اعتراضات در سایر کارخانجات نیز همچنان ادامه دارد.

از جمله کارگران در کارخانه آرد، د اوبخش و دارو کارگران به میزان سود پرداختی معترض هستند. آنها ضمن مبارزات خویش به ضرورت تشکیل شورا و نقش آن در تامین منافعشان پی برده اند.

کارگران برق، توانپرو شهسورک اکباتان نیز خواهان دو ماه عیدی و پاداش هستند. کارگران قسمت نوسازی و نقلیه برق مرکزی دست به اعتصاب یکروزه میزنند. مبارزات کارگران هنوز ادامه دارد.

در کارخانه چیت تهران (با فکار) کارگران خواهان سود ویژه بودند. پس از مدتی که از سود خبری نمیشد زمزمه اعتصاب بالا گرفته و کارگران به شمار نویسی در این رابطه مییزه آوند آنها از تجارب اعتصابات قبلی بیگانه میگردند. مدیریت مدبرعامل در مقابل کارگران وحشت زده عقب نشینی کرده و دو ماه سود ویژه به کارگران پرداخت میشود.

مبارزات کارگران ارج و پارس الکتریک در ادامه خود متعجب به عقب نشینی مدیریت میگردند. آنها دو ماه دیگر نیز سود ویژه حق مسلم خویش را دریافت میدارند.

در کارخانجات بوتان و سیمان کارگران با هدایت شوراها و مبارزه پیگیر خود موفق میگردند بیش از سه ماه سود ویژه از چنگ سرما به داران بیرون کشند. این پیروزی نتیجه مبارزه متحده کارگران و تشکیل آنان در شوراها می باشد.

مبارزات گسترده کارگران فیلیور و پلدستی را نیز سرما به داران را به زانو در آورده و آنها بیش از چهار ماه سود ویژه را از حلقوم سرما به داران در می آورند. کارگران مبارز فیلیور با جلوگیری از خروج تولید بمدت ۲ روز مبارزه متعده پیروز مند و پرتشوکی را بنمایش میگذارند.

این مبارزات برای کارگران تجارب گرانبغایی بهمراه دارد. آنها در این مبارزات آبدیده میشوند. فسر میگردند که ستم سرما به داری چیست و با چه وسایلی میتوان با آن مبارزه کرد.

آنان هر چه بیشتر می فهمند که رژیم جمهوری اسلامی با سادار منافع سرما به داران است. کارگران در می یابند که تنها راه بهبود شرایط زندگی شان را باید در عمل مستقیم و انقلابی خود جستجو کنند. آنها هر چه بیشتر به ضرورت اتحاد، یکپارچگی و تشکیل دشورا های انقلابی برای پیشبرد مبارزه انقلابی خویش آشنا میگردند. مبارزات آنان منجر به توسعه حس اتحاد و همبستگی بین طبقه کارگر خواهد گردید. کارگران قهرمان در مبارزات اخیر خود اشکال نویسی از وحدت و یکپارچگی پروولتاریا را به نمایش نهادند. و نتوان گفت طبقه های مبارزات یکپارچه و سرسری طبقه کارگر ایران بدش از پیش آشکار گشته است.

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

نفتگران تهران میگویند: بساط تعاونی اعتبار باید به نفع تعاونی مصرف برچیده شود

درست کردن تعاونی اعتبار در واقع اقدامی بود در جهت کوتاهی کردن دست کارگران و معاندان کارکنان آنها از تعاونی مصرف، چرا که سهم کارگران پس از مبارزات زیاد موفق شده بودند تا وقتی مصرف را تشکیل داده و توسط نمایندگان خود آنرا اداره کنند و اجناس را با طرح حذف واسطه ها و دلالان و سودجویان بسیار نازلترین قیمت بدست کارگران برسانند اما تبدیل تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار و کارگران را از دست یابی به مواد مورد نیاز خود با قیمتی به مراتب ارزانتر از قیمت های معمول بازار محروم کرد، تعاونیها از کنترل آنها خارج نمود و دست درازان و سرمایه داران را در چپاول دسترنج کارگران این صنعت بازگذاشت. شورای کارکنان دایره ابزار دقیق پالایشگاه تهران در اطلاعیه ای که به همین منظور منتشر نموده توضیح میدهد که: «با همه تلاشی که بعمل آمد شرکت نفت در آن موقع با انتقال سهام پنج هزار ریالی کارگران از تعاونی مصرف به تعاونی اعتبار عملاً دست کارگران و نمایندگان آنان را از این تعاونی کوتاه کرده و افراد رذل و خائن هم چون "ملک نیا" و فتوت ازاد را در اس تعاونی مصرف گمارد که با چپاول بیش از حد هر کدام میلیونها تومان بحیب زدند. اکنون همانطور که در آغزا اطلاعیه این شورا نیز آمده است کارگران خواهان انتقال سهام خود از تعاونی اعتبار به تعاونی مصرف هستند تا بتوانند با انتخاب هیات مدیره تعاونی، از خدا کرامت مکانات تعاونی استفاده نمایند.

لازم به تذکر است که: تعاونی مصرف از ابتدا با کمک مالی خود کارگران تشکیل شد و خود نیز آنرا اداره میکردند و اجناس دست اول با قیمت نازل تهیه و مورد استفاده قرار میدادند. بعد از مدتها که تعاونی مصرف دارای نفقات بسیاری شد و کارگران میخواستند آنرا به بهره استفاده نمایند، اولیای امور شرکت نفت که افرادی دزد و بیگناهی بودند به فکر افتادند که چگونه این تعاونی مصرف را از دست کارگران بیرون بیاورند، و بنحوی تعاونی را اداره کنند که به سرمایه داری کمک کرده باشند. لذا طرح تعاونی اعتبار ریخته شد. آنها با دادن اعتباری بنا حدود ۲۰۰۰۰ تومان به کارگران آنها را در

کدامیک از دو طرف ضدا میریالیست است؟

کارگران که خواهان شورای کارگری و اداره امور کارخانه توسط شوراهند.	یا	حاکمیت که میگوید سورا بی سورا و فقط انجمن اسلامی؟
دهقانان که خواهان صادره اراضی فتو دالها و زمینداران بزرگ اند.	یا	حاکمیت که دهقانان را به حرم ضبط اراضی مالکین به زندان می افکند؟
خلق کرده برای خود مختاری و رفیع ستم ملی مبارزه میکند.	یا	حاکمیت که خلق کرد را اکتشار و کردستان را بمباران میکند؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان جامعه دموکراتیک و آزادی بیان و عقیده و مطبوعات هستند.	یا	حاکمیت که به حامی مدد مکران است و اعتقادی ندارد و خواهان اختناق و محو آزادیهای دموکراتیک می باشد؟
نیروهای انقلابی و اقشار مختلف خلق که خواهان محو سیستم سرمایه داری وابسته و در نتیجه محو گرانی، بیکاری، فقر، فساد و... می باشند.	یا	حاکمیت که با حفظ سیستم سرمایه داری وابسته همچنان به افزایش بیکاری، گرانی، فقر... زحمتکشان دامن میرند؟
دانشجویان انقلابی که خواهان بازگشایی دانشگاهها و تبدیل آن به سکرو قعاً آزادی هستند.	یا	حاکمیت که خطرهای دانشگاهها را از خطر بازگشایی بیشتر میدانند و مانع بازگشایی دانشگاهها هستند؟
زحمتکشان که حکم را به زبان خود و به نفع امیربانیسم و بورژوازی میدانند.	یا	حاکمیت که به سیاست جنگ افروزی خود ادامه داده و میگوید جنگ چیز خوبی است؟
صیادان که خواهان کوتاه شدن دست صیادان بزرگ و انحصار کار از دریاها هستند.	یا	حاکمیت که دست صیادان کوچک را از دریاها کوتاه کرده و آنها را به خاک و خون کشید؟
برسول انقلابی ارتش که خواهان شلای از انقلابیون ارتش هستند.	یا	حاکمیت که خواهان ارتقاء فرماندهی مزدورانی چون فلاحی، طهرانی، سردار و... بر ارتش هستند؟
کارگران، کارمندان، معلمان، پرسنل انقلابی ارتش که بحسب نیازها علیه امیربانیسم اخراج شده اند.	یا	حاکمیت که حافظ سیستم سرمایه داری است و چندین بار دکه های دکه داران را به سرشان خراب کرده و آنها را بدگلوله بسته است؟
کارگران، کارمندان، معلمان، پرسنل انقلابی ارتش که بحسب نیازها علیه امیربانیسم اخراج شده اند.	یا	حاکمیت که انقلابیون را اخراج و ایادی امیربانیسم مثل کودتاگران و ساواکیها را به کارهایشان باز میگرداند؟
زندانیان سیاسی انقلابی که به حرم دفاع از منافع خلق زندانی شده اند.	یا	حاکمیت که مدافعین خلق را زندانی و اعدام می کند؟

ما می گوئیم طرف اول یعنی کارگران، دهقانان، و سایر زحمتکشان و نیروهای خلق است که ضدا میریالیست هستند. حاکمیتی که مبارزه میکند امیربانیسمی نیروهای خلق را به پهنه های گوناگون سرکوب می نماید. سازشکاران که سرکوبی کارگران

کارگران پیشرو تبریز

کارگران و زحمتکشان، بسی بورژوازی حاکم را ضدا میریالیست معرفی می کنند. نوکران بورژوازی و دشمنان زحمتکشانند. بدون رهبری کارگران، مبارزه ضدا میریالیستی بیسوز نخواهد شد.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضدا میریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



دهقانان باید خودشان دست بکار شوند و زمینهای زمینداران بزرگ را مصادره کنند

حاکمیت را در خود داشته باشد. اما نشانه‌دهنده این نیزهست که با وجودیکه دستور توقف اجرای بند "ج" توسط آیت الله خمینی صادر شده، دهقانان دست از مطالبات خود برنداشته، و قوانین "جمهوری اسلامی" را نمی‌پذیرند. اما آنچه که حاکمیت را بیشتر در فشار قرار داده، نامه نویسی دهقانان نیست. بلکه رشد جنبشهای انقلابی آنان است، که با وجود اعلام "غیر قانونی و غیر شرعی بودن" دست اندازی به مال و زمین دیگران، به مصادره اراضی زمینداران بزرگ شدت بخشیده و در نقاطی نیز به تشکیل و شوراهای واقعی دهقانی پرداخته اند (گزارشات روستائی که در "کار" منتشر میشود، گوشه‌هایی از این مبارزات روبه رشد دهقانان را بازگو می‌کند).

با توقف اجرای بند "ج" تا عمل دیگری نیز در رشد مبارزات دهقانی تا شيرداشته است. مالکانی که اراضی آنها توسط دهقانان مصادره شده بود، وقتی دیدند که حاکمیت بدون هیچگونه برده‌پوشی و بطوری آشکار، از منافع آنها حمایت می‌کند، به روستاها حمله برده و با کمک آبدی خود به تصرف مجدد زمینها پرداخته اند. گسترش این وضعیت، و عکس العملهای تداومی دهقانان در برابر اقدامات این زمینداران و دولت حامی آنها، بحدی بالا گرفته است، که انعکاس آنرا در روزنامه‌های رسمی کشور نیز می‌توان مشاهده کرد. مثلاً اطلاعات تحت عنوان "با توقف بند "ج" توطنه مالکان شدت یافته است" بگونه‌هایی از این نوع دست‌اندازیهای مالکان در بجنورد اشاره می‌کند. یکی از اعضای هیات هیئت نفره بجنورد که طرف محاسبه اطلاعات قرار گرفته است می‌گوید: "این مردم (روستا شیمان) می‌خواهد منفرج شود ما در روستا هستیم و کاملاً در جریان قرار داریم". وی در جواب اینکه آیا توقف بند "ج" خطرناک نیست می‌گوید: "بله خطرناک است من فکر می‌کنم کل منطقه شمال خراسان بسیار حساس است چرا ترکمن نشین است مرز است حتی سپاه پاسداران را ترکمنها خلع سلاح کرده بودند که منشا رفتیم آنجا مسائل را تا اندازه‌ای توانستیم حل کنیم و در میان روستائیان نفوذ پیدا کنیم اگر این ساله توقف بند "ج" ادامه می‌دهد صدر در صد دوباره منطقه متشنج می‌شود."

بقیه در صفحه ۱۲

کشاورزی استانها و معاونین وزارت کشاورزی می‌خوانیم که اگر "بلاتکلیفی موجود جریان بیاید نمی‌توانیم برنا مه بریزیم" اساسی کشاورزی... اقدام نمود. (جمهوری اسلامی ۲۲ بهمن) برآستی چرا دست اندرگزاران حکومتی اینگونه متناقض سخن می‌گویند، از پاسخوشتی مشخص به مسائل ظفره می‌روند و همه چیز را به آینده‌ای نامعلوم موکول می‌کنند؟ هیات حاکمه که از هما رفتن قیام ۲۲ بهمن رسالت خود را حفظ مناسبات ارضی با زمانه ارزشمندی قرار داده بود، مستقیماً در مقابل جنبش انقلابی دهقانان قرار گرفت و بطریق مختلف سعی در سرکوب آن نمود. اما ادامه، گسترش و تعمیق جنبش مصادره زمین و شکل‌گیری شوراهای دهقانی، بهمهراه گسترش نفوذ نیروهای چپ در درون روستاها، حاکمیت را مجبور کرد تا در جهت اجرای یک فرم ارضی مبتدل اقدام نماید، تا شاید از این طریق حرکت‌های اعتراضی دهقانان را کنترل کند، مانع رشد روزافزون نیروهای چپ در درون روستا شود و کلاً جو انقلابی حاکم بر روستاها را مهار نماید.

اما همچنانکه انتظار می‌رفت، وقتی که حاکمیت در نیمه راه اجرای فرم ارضی بوروکراتیک، شرایط را برای باز شناساندن امتیازاتی که تحت فشار دهقانان زاده بود، آماده دید، بلافاصله حکم بر لغو اجرای بند "ج" از قانون واگذاری داد. و بدین وسیله بیش از پیش حمایت خود را از زمینداران بزرگ آشکار ساخت. لیکن بعطت ادامه بحران سیاسی و ظرفیت انقلابی توده‌ها، شرایط آنچنانکه حاکمیت تصور میکرد، هنوز برای توقف اجرای "اصلاحات ارضی" آماده نبود.

با توقف بند "ج"، دهقانان که از برآورده شدن حداقل خواسته‌های خویش توسط "جمهوری اسلامی" مایوس شده اند، خود وارد عمل شده و بطریق گوناگون در جهت دست آوردن مطالبات خود (که بند "ج" از قانون واگذاری تنها بخش کوچک و ناقصی از مطالبات آنان را تشکیل می‌دهد) به مبارزه پرداختند. مسأله امتیازات و زمین نوع این مبارزات و اعتراضات دهقانی، پوشش نامه‌های متعددی به مجلس، آیت‌الله خمینی و غیره در جهت اجرای اصلاحات ارضی است. اگر چه ممکن است این اقدامات هنوز به نوعی ساله توهم دهقانان به

در روزهای اخیر، دوباره، ساله مالکیت زمینهای مزروعی بخسوان یکی از معضلات جمهوری اسلامی در سطح منطقه مطرح شده است. حاکمیت که طی این دو سال تا توانی خود را در حل مشکلات زمینکشان و با عداقت تخفیف نسبی آنها ثابت کرده است، اکنون در برابر با لگرفتن مجدد مسأله ارضی و مطالبات دهقانان، در مانندگی و استیصال خود را بار دیگر به ثبت رساند. حاکمیت از ابتدا با تمام توان در مقابل اقدامات انقلابی دهقانان جهت حل دموکراتیک مسأله ارضی (یعنی با ایتکار خود دهقانان و از با شین) ایستاد و به سرکوب انسان پرداخت. سپس با متوقف کردن امر تقسیم بخشی از اراضی مالکان (بند "ج" از قانون واگذاری اراضی) نشان داد که حتی یک فرم ارضی سرودم بریده، نیز عاجز است. اینک نیز در مقابل موج نوین مبارزات دهقانی، بیپوده می‌کوشد با وقت گذرانی، وعده سرخرمن دادن و سخنان ابهام آمیز و ضدتقیض بحران موجود را از سر بگذراند.

در این رابطه، در حالیکه آیت‌الله مشکینی اجرای بند "ج" را به تمام جنگ موکول می‌کند، دکتر بهشتی می‌گوید:

"فکر می‌کنم مسائلی را که شرایط آن تحقق پیدا نکرده، به موقعی که شرایط آن محقق شود واگذار می‌بهرت است، تا موقعی که تصمیم می‌گیریم بنوانیم بخوشی اجرا کنیم" (جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن). بدین ترتیب دکتر بهشتی ارتکار تقسیم اراضی زمینداران بزرگ می‌گذرد و آنرا به موقعی که شرایط آن محقق شود" احواله می‌دهد. حال است که پس از ده روز از این اظهار نظر، وی می‌گوید: "اصولاً بطریق خود این لایحه لازم بود هیات واگذاری تلاش میکرد تا زمینهای موات را که قابل عمران و آبادی هست تقسیم کند" (جمهوری اسلامی ۲۶ بهمن). و بدین ترتیب بطور ضمنی اصولاً موضوع هرگونه تقسیم اراضی زمینداران بزرگ را مانع مالی می‌کند. در همین رابطه، سلامتی وزیر کشاورزی اظهار می‌دارد که "عدالت و توقف بند "ج" در کسار مشکلاتی بوجود آمد. امیدواریم طرحی تهیه شود که این ساله ریشه‌های حل شود و بتوانیم برنا مه ریزی کنیم" (جهان فردا ۱۳-۲۰ بهمن ۵۹). همچنین در قطعه‌نامه سفینار آمد بیان کلی

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

رهنمودهای شمی رفسنجانی به امپریالیستها

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

تهران

یک بیمرزدمتکش درناحسی: معلوم نیست آدم حرف چه کسی را باور کند دولت میگه وضع آواره ها خوبه، از طرفی کسی که از لرستان و از این طرف و آن طرف میآیند میگویند وضع آواره ها بنده! مویضی زیاده، به آواره ها رخت و لباس و غذا نمیدهند، غذا نمیدهند آخراین همسه کمکی که مردم کردند کجا رفته؟

بهبهان

شهر معلوا از جمعیت است. جای سوزن انداختن نیست، مسافر خانه ها جایی خالی ندارند، تمام مدارس بوسیله جنگ زدگان مثل اردوگاه شده است، عده ای کتا رخی با بن زندگی میکنند، بسیاری از ساختما نهایی نیمه ساخته شده بوسیله نایبون اطرافشان محصور شده و عده ای را زیر سقف نایبونی خود جا داده است. وارد یکی از این مدارس می شوم، در گوشه و کتا راسباب و اثاثیه جنگ زدگان ریخته شده است علاوه بر اتاق ها که در هر کدام از آنها ۱۰ الی ۱۵ نفر زندگی می کنند در حیاط هم جا در زده اند قیافه های رنجور و زرد کودکان، زنان سیاه پوش و قیافه های غم زده دل هرتازه واردی را به دردمیآورد. به مرد ۳۵ - ۴۲ ساله ای که در کنار یکی از جا درها دوزان نوشته و به روبروش زل زده است نزدیک مسی شوم: سلام آناه میهمان میخواهی...؟ مقواشی را که نزدیکش است جلو می کشد و می گوید: بفرما شید، قدمتون رو چشم ما خودمون هم میهمون هستیم، سر صحبت بازمیشود چند نفر دیگر هم جمع میشوند مرد که بعدا فهمیدم قبلا در خر مشه آ هنگوی میگورده اشاره ای به ۴ بچهای که نزدیک چادر بازی میکردند و از سروروشا نمکس بالامی رفت نمود و گفت "الانسه هفته است حمام نکرده اند یک حمام گرفتن ۱۰ تومان آب میخورد، بچه ها بپازگنافت شناخته نمیشوند حمام بدرک، گرسنگی آگسنگی! تو الان جوونی نمی فهمی چه دردی دارد بچها ت گریه کند، زار بزند ولی توننتونی کاری بکنی، مازها پرا زگوشت با شید پرا زغیبدا بیسیا شید ولی توننتونی کاری بکنی." گفتم پس کمک های مالی و جنسی مردم چه شده است؟ زن جوانی که تواون گل و لای دم پاشی پوشیده و یک تشت نایبونی دستش است با عمیانی می گوید "چی شده؟ رفتم توجیب آقا بون، اینها همه شون یک مشت دزدند تیا نام اسلام مردم را می چابند

مسا عدی که توکم توده ها را فراهم نموده بود استغافه نکرده است. او که از اشتباه فرانسه بسیار نا راجت است، فرانسه را نصیحت میکند که "من تذکر بشما میدهم که فرانسه اشتباه میکند، ما ملت کینه توزی نیستیم اگر شما اشتباه خود را اصلاح کنید میتوانیم روابط حسنه ای داشته باشیم." (جمهوری اسلامی دوشنبه ۱۸ اسفند) و بدین صورت حرف آخر خود را میزند و صریحا میگوید که از سوی رژیم جمهوری اسلامی جهت برقراری "روابط حسنه" ما نمی نیست و فقط میل، میل، میل است. این شما شید که با پیدا بدینش گرفتن سناستهای "درستی" چون سرازیر کردن میل سلاح و مهمات به ایران، دادن وام و اعتبارات امپریالیستی و صدور کتالا و سرمایه با جلب و گذارید و روابط را "حسنه" کنید.

هاشمی رفسنجانی اظهار تعجب می کند که دولت فرانسه حتی ناوچه های را که ما پول آنها را پرداخت کرده ایم به ما نمیدهد" (البته خودش فورا میگوید که اخیرا تحت فشار (!) به ما قول تحویل داده است) آقایی رفسنجانی که چشم انداز خریدهای عظیم تسلیحاتی از کشورهای امپریالیستی را بدین روی دارد بسیار متعجب می کند که چرا فرانسه حتی ناوچه ها را هم تحویل نمیدهد!

سردمداران رژیم که بی صبرانه از هر راهی جهت بسط و تحکیم روابط خود با کشورهای امپریالیستی بخصوص امپریالیستهای اروپای و ژاپن می کوشند و قاحت را بدانجا رسانده اند که علنا "امپریالیستها را به هر چه نزدیکتر شدن و هر چه محکمتر کردن روابط فی مابین، تشویق میکنند. اما تمامی سران جمهوری اسلامی باید بدانند که خلق ایران برخلاف تصور آنها نسبت به امپریالیستها حسنی بسیار "کینه توز" است و نفی سرت و کینه اش نه تنها نسبت به تمام امپریالیستهای غارتگر جهانی بلکه به تمامی سرمایه داران و زمینداران و حامیان نشان نیز بی پایان است. هاشمی رفسنجانی و تمام هم پالکی هایش باید بدانند که خلق قهرمان ایران نه تنها اجازه نخواهد داد که "روابط حسنه" با امپریالیستهای کسترش و نداد و میابد بلکه رژیم را نیز که سرعت در جهت هر چه گسترده تر کردن این روابط کام میزیدارد دیر با زود خواهد شناخت و به رساله دانی تارینخ زوانه خواهد کرد.

یکی از مسائلی که دو جناح اصلی هیئت حاکمه بر روی اساس آن توافق نظر دارند (هر چند که در مورد شیوه هایش تا حدی اختلاف داشته باشند) سیاست نزدیکی، بسط و تحکیم روابط بسا امپریالیستهای اروپائی و ژاپن است. رژیم جمهوری اسلامی در این راه تا بحال کامهای بسا ری برداشته است. که کمترین آن تجدید قرا داد های موجود با این امپریالیستها و همچنین عقد قراردادهای جدید احداث کارخانجات و تاسیسات نیروگاه و شبکه برق و... بخصوص با ژاپن و آلمان است و حتی در این اواخر کار رژیم بجایی رسیده که مستشاران آلمانی صنایع دفاع را نیز سرکارهای خود بساز کردانیده است (جالب اینجاست که حتی رئیس گروه آنها همان مستشاری است که در دوره شاه خا شاین سمت را بعهده داشته است). اما از سوی دیگر رژیم امپریالیست نظامی که عجز رژیم حاکم در برقراری نظم و امنیت لازم را شاهد است سیاست دوپهلویی را پیش گرفته که یکی از جوه آن در فشار رنه سادان جمهوری اسلامی و مقابله با آنست به این منظور که شاید بتوانند در این میان رژیم "قدرتمند" بر سر کار آورد و منافع دراز مدت خویش را حراست کند. حرکات کشورهای امپریالیستی چون تحریم نیمه بند اقتصادی و اعمال فشارهای سیاسی و... در این رابطه قابل تبیین است. از این جهت است که هاشمی رفسنجانی یکی از رهبران جناح حزب جمهوری اسلامی مسئولیت "ارشاد" و "نصیحت" امپریالیستها و هدایت آنان در جهت ایجاد "روابط حسنه" با رژیم جمهوری اسلامی را بعهده گرفته است. هاشمی رفسنجانی به روشنی به کشورهای امپریالیستی رهنمود میدهد که دست از لجاج بردارند و با اصلاح خود به تحکیم روابط غارتگرانه فی مابین بپردازند. و بدانند که برای برقراری "روابط حسنه" فقط دو چیز لازم است اول رضایت امپریالیستها و دوم فریب توده ها.

هاشمی رفسنجانی در "دیدار و گفتگو با سفیر فرانسه" در روز شنبه ۱۶ اسفند ماه میگوید "مردم ایران در اوائل انقلاب نسبت به فرانسه احساسات خوبی داشتند... که فرانسه میتواند از آن استفاده کند و اگر فرانسه دوستانه برخورد میکرد میتواند همکار خوبی برای ما باشد. و ما فرانسه در سیاست خود اشتباه کرد" حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی بیسار متاسف است که چرا فرانسه از زمینسه

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



نامه یک پاسدار سابق کمیته

مردم چه میگویند...

بقیه از صفحه ۱۰

خودتون بهتر میدونید، ببینید چه بلائی سرما آورده اند (اشاره ای کرد به اطرافش. همه اش تقصیر همین حکومت، تو مسبل ها شون لمدا دندو دستور ما یرمی میکنند و سخنبرانایی میکنند)

شما میدهند، پدر سوخته ها! آهنگ سر: "راست میگه الان ۱۲ روز است کسی نیامده بهر سدحالتون چطوره؟ یک ماه پیش به ما که ۱۰ نفریم سه تا پتو دادند که نمیدونیم رومون بکشیم یا زیرمون بیاندازیم از سر ما خوا بمان نمی برد، حالا ز جای ما کمی محفوظ است تعدادی از بستگانم توی خانه های نیمه تمام شهرک کنار بهبهان می نشینند، خانه ها سقف ندارد، فقط چهار تا دیوار دارند، سقف را با تا یلون و مقوا پوشانده اند با ران که آمدجا شون نم گرفتند استخوان درد گرفته اند، همان زن جوان تشت بدست دنباله حرفش را گرفتند تدر از این توالیت هم ندادند خود شون گوشه حیا طرا کنده اند، دورش را مقوا گرفته اند این شدتوالتشون، بچه ها وبا گرفته اند، هر بیضی بیداد می کند، بهر مردی که یک سیب زمینی پخته پوست می کند و تا ز به جمع ما پیوسته می گویند: "عیسی خدا ره جنگه انشالله اگر بنی صدر را بزارند جنگ را تمام می کنند، پس جوانی از پشت سر من می گوید: "عجب حرفها! مگر بنی صدر را به زنجیر کشیدند که می گویند اگر بزارن، بنی صدر فقط سده حرف بزند و او رتش را تا زانو ازش کنه، دست کمی از دارو دستور جانی ندارد، چرا یک دفعه در مورد اسلحه دادن به مردم محبت نمی کند؟ چرا ما را مسلح نمی کند؟ چرا دو ماه قبل از جنگ موقعی که ما کارگران گمرک می دیدیم که بعضی ها در برهه سترگ بندی می کنند و به مرز، هوا پیمایا و کشتی می فرستند هیچ قدامی نکرد، مردم را هوشیار نکرد و گذاشت که غافلگیر بشوند "مرد آهنگر": راست میگه ما را مثل گوسفند زیر بمب ها رها کردند، ما هم دیدیم دست خالی ما نندن توشهر فایده ای ندارد. اگر تفنگ داشتیم به عراقی ها می فهمادیم که بهم ریختن روی شهر یعنی چه؟ (دستها پیش را در حالی که می لرزیدند نشان داد) حالا این دستها که آهنگ را خم میگردن با بدبوم کدائی کنیم، بغض گلوبم را گرفته است، باضربه دست آهنگر روی پا بم بخودم دم، از شورای آوارگان برایشان صحبت کردم که چگونه این شورا را تشکیل بدهند با آوارگان دیگر تمساس بگیرند نما بینگان خود را انتخاب بکنند دنبال خواسته هایمان بفرستند، مبارزه کنند و جفون را بگیرند و آهنگر چه خوب می گفت که اگر ما اینها را سرکار آوردیم، خودمون هم میتونیم برشون داریم پروژگار اینجوری نمی مونه حق به حق داریم برسه، بهداشت، مسکرونان حق مسلم آوارگان است

نمی خواستیم به روی خلق زحمتکش خاک سفید اسلحه بکشیم. زمینی که حق مسلم آنهاست. زحمتکشانی که بعد از پیروزی انقلاب با وعده های پیوج و بیهوده حزب حاکم که به آنها داده بود تا در بنیاد مسکن مستضعفین ثبت نام بعمل بیارند تا به آنها زمین بدهند ولی اینها بداند که تمام زمینهای بنیاد مسکن را به سر ما به داران به عنوان مستضعف داده اند. آیا یک زحمتکش میتواند صد هزار تومان خرج اسکلت بندی ساختمان خود بماند یا اینکه هزارها تومان خرج سنگ مرمر ساختمان و غیره... بکند مسلماً خیر. چرا که اینها زحمتکش نیستند اینها همان "فرزاد زیم سابقه کاگون" تحت الحمايه حزب حاکم قرار گرفته اند. ما خود فرزندیک زحمتکش هستیم در دخلقهای محروم رامیدانیم و نخواستیم به روی آنها آتش بکشیم. این پست فطرتان چه خیال حرامی کردند آنها میخواستند با چند برابر کردن حقوق، ما را بخزند! و بیسک فدائی خلق خیلی بالاتر از این است حرفهاست که بنیاد را خرید، اگر یک فدائی خلق خریده میشد شاه آنها را میخرد و دیدیم که چگونه خریده نشدند که هیچ، بلکه با هرگونه ظلم در جامعه مبارزه برخاستند. ما بیگاری و گرسنگی را به گرفتن ما می چند هزار تومان و اسلحه کشیدن به روی زحمتکش ترجیح میدیم بلکه ما گرسنگی و بیگاری را تحمل میکنیم ولی حاضر نیستیم حتی یک فشنگ به روی خلق شلیک کنیم. زمانی که هر فشنگ ما باید قلب امپریالیسم به سرکردگی امریکا را بشکافد چرا باید به روی زحمتکش شلیک کنیم. رفقای عزیزا میدوایم این مطلب را حتما در هفته نامه کار چاپ کنید که مردم بدانند که یک ما مورسابق کمیته هم میتواند فدائی خلق باشد. و در راه آرمان خلق قدم بردارد. چون به سلاحهای سبک از قبیل ژ-۳ - تیربار - نارنجک آشنا می که ملدارم حاضریم در جبهه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کردستان علیه تاج و زگران خلق کرد بکنم. مرگ بر امپریالیسم جهانیه سرکردگی امریکا

مرگ بر سازشکار
به امید پیروزی طیفه کارگر
و با درود فراوان بر سازمان پرافتخار
چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

نامه ای را که در زیر ملاحظه میکنید یکی از رفقای هوادار سازمان کشته قبلاً پاسدار کمیته بوده است برای ما فرستاده و اما خواسته است که سرادگر را چاپ کنیم. این نامه یک افتاء گری زندان را کمیته است که بر اساس توهمون آگاهی توده ها بقدرت رسید و امروز ما هیت ضد انقلابیست بر زحمتکشان میهن ما روشن میگردد. ما در زیر عین نامه را منتشر می کنیم که خود گویا ترا هرگونه تحلیل و توضیحی در مورد ما هیست ضد خلقی و سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی است.

روزنامه کار
ارکان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

خدمت رفقای عزیزم سلام، پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم حال کلیه رفقا خوب باشد تا هر چه مستحکم تر در راه آرمان خلق قدم بردارید. رفقای عزیز، من پاسدار سابق یکی از کمیته های تهران هستم و میخواستم قسدری از فعالیت های خود مان و دستورهای ضد خلقی ریختی کمیته منطقه را که یک آخوند بوده شما بگویم تا در روزنامه کار چاپ کنید و همه خلق از این امر باخبر باشند که چه کسانی پاسداران را در مقابل زحمتکشان قرار میدهند. من تعدادی از بچه های که همگی از خانواده زحمتکشان بودند در یکی از مناطقی تهران بعد از پیروزی انقلاب به همت خلق بپا خواسته میهنمان، کمیته ای تشکیل دادیم که به تصویب کمیته مرکزی رسید. ما حدود یک سال در آن کمیته فعالیت داشتیم و در عرض این یکسال افراد قسدر را از کمیته پاکسازی کردیم. تمامی فعالیت های ما در راه خلق بود ولی بعد از مدتی بدون هیچ دلیلی کمیته ما را منحل اعلام کردند ولی ما که قسم خورده بودیم که برای زحمتکشان میهن قدم برداریم پس از دوندگی های زیادی موفق شدیم در کمیته گسروه ضربت مسفر در شهرداری همان منطقه شروع به فعالیت بپردازیم. من بعد از مدتی متوجه دزدی و رشوه گیریهای مسئول آنها شدم که احمد م. نام داشت. و یک شب با شورا ای که با بقیه بچه ها تشکیل دادیم قرار شد که اگر احمد م. در آنجا فعالیت کند، بچه ها همه اسلحه خواهند داد. خلاصه موفق شدیم این مسزور کثیف رژیم را بیرون کنیم ولی بعد از چند روزی نیز آنجا را منحل اعلام کردند میدانید چرا؟ به دلیل اینکه ما

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

دهقانان باید خودشان دست بکار شوند

بقیه از صفحه ۹

(اطلاعات ۲۰ بهمن ۵۹)

این معاهده، صرفنظر از اینکه ماهیت و وظایف هیأت های هفت نفره یعنی حفظ آرامش در روستا ها، انحراف دهقانان از مبارزه انقلابی در جهت احقاق خوارستایان، نفوذ در بین آنها، تشنج زدن سی در روستا و کلاً "حفظ استکبار حاکمیت جمهوری اسلامی در روستا را تعالیان می سازد، بیانگرا و جکیگری جنبشهای دهقانی نیز می باشد. هر اس از این نوع گیری و گسترش مبارزات دهقانی است که این روزها هیأت حاکمه را وادار ساخته تا از یکسویه مقاومت در اجرای بند "ج" از قانون واگذا ریکی که در سطح مطالبات دهقانان و اقدامات انقلابی آنان نیز بسیار پائین تراست، دست برند، و از سوی دیگری به سهم کوفی و وعده سرخرم - سن نادن سردازد. هیأت حاکمه در این صور است که با موقوف کردن اجرای اطلاعات ارضی به آئینده ای معلوم و مقبول دکتر بهیستی برای موفقی که شرایط آن محقق شود طی این مدت جنبشهای دهقانی را سرکوب کرده و وظیفه خود را در قبال مالکین انجام دهد. بنا بر این تا آن زمان باید که سخن از آئینده گفت. اما هر روز که میگذرد بنا ادا مه بحران موجود با اعتلا مبارزات فدا میریالیستی دموکراتیک توده ها و بویژه تعمیق هر چه بیشتر مبارزات کارگری، مبارزات دهقانی نیز، گسترش و تعمیق یافته و دورتای این آئینده را برای هیأت حاکمه تا ریگتری می سازد. امروز بیش از پیش برای دهقانان ثابت میشود که بنا بدربیت وعده های سرخرم رژیم زار بخسورن دهقانان تا بد خود دست بکار شوند. با تشکیل خورا ها به مصاف در زمینداران بزرگ بپردازند و زمینداران بزرگ را از سر خود کم کنند.

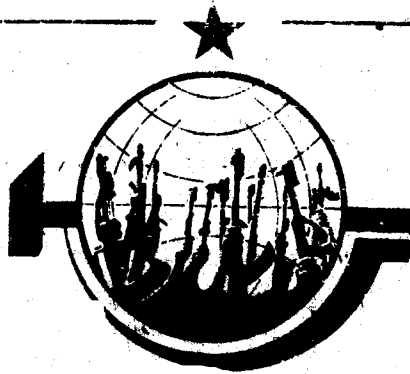
کد مالی مشهد	۱۰۲۸۶	۵۷۷۷	۲۱۲۰	۲۵۰۰	ش	۵۰۰	۲۵۰۰	۲۶۰۰	الف
م - ۲۲۲۵	۱۱۵۷	۶۷۲۶	۱۳۱۴	۲۵۰۰	۲۸۲۰	۷۲۲۲	۱۰۴۴۴	۱۰۴۴۴	۴۲۲
ع - ۱۵۵۰	۲۲۹۲	۳۰۰	۳۱۲۲	۱۸۸۸	۱۰۲۲	۲۱۴	۵۰۲۲	۵۰۲۲	۲۲۲
رقبای سفر	۲۴۱۶	۱۴۲۹	۲۲۴۷	۱۰۲۲	۲۰۰۰۰	۷۲۲	۵۰۲۵	۵۰۲۵	۶۲۲۲
جک ۱۵۰۰۰ ریال	۶۲۰	۵۸۷	۱۲۰۱	۱۰۲۲	۵۱۲۴	۱۱۱۱	۵۵۰۰	۵۵۰۰	۱۴۰۵
رقبای پاوه	۱۶۱۱	۲۰۱۲	۳۰۰	۳۱۰۰	۱۰۰۲	۲۴۰۴	۵۱۷	۵۱۷	۲۸۰۸
ت - شه ۲۰۰۰	۱۶۶۶	۱۰۰۴۸	۱۰۲۱	۳۱۰۰	۲۵۲۶	۲۱۱۱	۲۱۱	۲۱۱	۲۱۰۰
جهان ۱۰۰۰-۱۶۰۰	۱۰۲۲	۱۲۰۰	۱۹۰۰	۹۹۰	۱۴۵۲	۲۱۱۱	۱۴۴۴	۲۰۱	۲۱۰۴
ریال	۲۰۴۲۵	۵۵۵	۱۵۰۴۷	۹۹۰	۱۱۰۰	۲۱۱۱	۲۰۱	۲۰۱	۵۱۲۲
علیشا عوص ۱۰۰	۵۱۲۲	۳۱۳۱	۱۶۶۶	۴۰۲۵	۵۰۰	۲۴۱۰	۹۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
رقبای ماه شهر	۱۶۱۲	۱۷۱۰	۳۰۰۰	۱۰۲۰۰	۴۲۲	۲۰۱۰۰	۷۰۰	۱۹۲۰	۱۳۲۲
	۵۰۰	۶۰۰	۳۲۲۲	۲۲۲۲	۱۰۳۲۰	۳۲۹۹	۶۲۶	۱۳۰۰۰	۱۰۰۰
	۲۷۷۵	۲۱۳۱	۱۰۳۴	۵۰	۲۰۷۱	۵۱۴۶	۵۰۲۹	۲۲۲۲	۱۳۲۲
	۲۵۱۹	۱۱۴۶	۳	۱۴۷۲	۱۰۱۱	۲۱۵	۵۵۵	۱۱۱۲	۵۵۵
	۴۰۰	۶۶۹	۲۲۵	۸۰۰	۲۵۱۸۰	۱۱۲۰	۲۰۰۰۰	۱۰۰۰	۲۲۵۶
	۲۱۲۲	۴۴۹		۶۱۴۰	۶۰۰	۵۳۷۱	۱۶۱۱	۲۱۲۲	۵۲۵۰
امانت شما رسید	۷۲۰	۳۲۶۶	۱۰۰۰	۷۷۷	۸۵۵۵	۱۰۰۰	۱۱۴۷	۲۰۰۰	۳۱۰۱
ه - ۲۰۲	۵۱۹	۱۵۰۰۰	۱۶۱۷	۲۰۰	۱۰۳۹	۱۵۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۱۱۱
ل - ۱۱	۵۰۲۸۳	۲۲۵۹	۱۸۵۲	۵۲۴۲	۱۰۰۷	۲۳۵۰	۱۱۲۲	۲۰۰۰	۴۲۲۲
ز - الف	۳۰۲۸۳	۳۰۱۸۴	۵۳۱	۴۰۰۰	۲۰۱۰۰	۵۰۰۰	۱۰۳۵	۸۸۰۰	۱۵۶۹
ن - ۱۱		۷۲۲		۵۲۲۲	۳۰۰۰	۶۰۰۰	۵۱۲۲	۲۷۷۷	۵۱۰۰
ب - ۱۴۵۱ شهرکرد	و	۱۰۲۲	ل	۲۷۰	س	۵۰۱۱	۱۱۶	۲۷۷۷	۱۱۲۰
	۵۰۰	۲۲۲۲	۲۰۰۳۲	۱۲۷۲	۳۰۰	۱۲۷۰	۱۲۲۲	۲۷۷۷	۱۰۰۰۵۵
رقبای اصغر	۱۰۰	۲۱۲۲	۱۶۱۱	۵۸۶۱	۳۱۵۰		۳۲۲۲	۳۱۰۱	۳۱۲۲
رقبای زندا نیسی	۱۰۰	۵۹	۴۰۰۴	۷۲۲	۹۲۸	۱۱۱۱	۵۵۵۵	۱۰۰۱	۲۰۱۰
متینگ سیا هکل	۵۰۰۵	۵۲۶	۷۲۲	۱۱۰۰	۱۰۰۰۰	۵۰۰	۳۲۵۵	۱۷۶۲	۴۲۰
ر - ۲۵۳	۵۲۵	۱۱۱۲	۵۱۰۱	۱۲۲۲	۱۹۸۷	۵۰۰	۵۰۰۴	۲۷۰۰	۱۵۰۰
رقبای ناصر	۱۰۷۰	۵۰۱۲		۱۰۱۰۰	۲۴۴۵	۲۱۲۰	۵۳۱۹	۲۱۰۰	۲۸۰۰
ه		۱۴۲۲	۲	۲۹۹۹	۱۹۲۴	۱۵۶۸	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۵۲۸
رقبای زاملش	۳۳۳۲	۱۷۰۰۰	۱۵۰۰۰	۲۵۱۲۶	۵۰۰	۲۰۱۵	۲۰۲۹	۴۱۱۱	۳۰۳۱
رقبای زرودسر	۳۶۰۹	۱۵۰	۶۱۱	۶۰۴۱	۵۲۲	۶۰۰	۱۲۰	۱۲۰۰	۶۰۰
رقبای فیلسین	۱۲۵۰	۴۰۰	۱۱۱۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۲۲۲۲	۵۰۳۲	۵۶۰۰	۲۰۰۰۰
رقبای فلوریدا	۳۸۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۲۲	۵۰۰۰	۱۵۲۱	۴۱۲۸	۶۲۲	۷۱۰	۷۲۲۵
آمریکا	۳۰۰	۵۰۰۰۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۱۲۴	۴۳۲۸	۱۱۲۶	۲۱۰۰	۵۰۰
د - م - ۶۰۰۰	۳۰۰	۵۲۴	۱۶۵۴	۶۱۱	۱۹۱۱	۲۰۱۶	۲۰۰۰	۴۰۰۵	۱۳۶۶
رقبای یوسف	۱۰۰۰	۲۵۲۲	۱۱۰۴	۱۱۱۴	۲۴۱۰	۶۶۵	۱۰۰۲	۷۰	۸۳۲۳
نامهای رسیده	۱۰۰	۲۰۲۲	۵۸۴	۷۱۰	۲۶۴۵		۴۰۸۶	۸۵۶	۴۰۲۷
رقبای ۱۰۰ ریال	۲۱۰۰	۱۰۴	۱۳۰۰	۹۱۷					۱۰۳۵
رقبای ر. م. لطعات	۱۰۵۱۲	۱۱۱۲	۵۷۷۷	۱۰۱۰۳	۱۲۲۰	۱۰۳۵	۲۹۲۵	۲۹۲۵	۵۲۲۲
رسید اقدام لازم	۱۱۰۱	۲۰۰۰	۱۱۰۰	۱۶۳۳	۲۷۷۷	۲۰۲۲	۱۶۲۴	۳۴۵۶	۱۱۶۰
صورت خواهد گرفت	۱۱۰۱	۲۰۰۰	۴۰۰۰	۱۰۰۰	۲۱۰۱	۵۲۲۲	۲۰۱۷	۵۰۰	۳۲۵۰
رقبای استان بول	۲۵۲۶	۲۷۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	۱۱۰۲	۸۰۱	۲۰۰۰	۵۲۱۱	۲۱۰۰
رقبای ۳۰۰۰ ریال	۵۱۲۲	۴۰۴	۵۷۲۰	۲۳۵۷	۶۱۲	۶۲۵۴	۱۱۰۵	۱۵۱۲۶	۵۰۰۶
رقبای میا ندو آب	۱۴۹۹	۱۶۵۰	۶۳۵	۶۱۱	۲۳۱۰	۲۷۵۰	۶۱۱	۱۳۳۲	۵۰۴
(دانش آموز)	۱۲۰۰	۱۰۰۰	۱۵۰۰	۲۱۱۱	۲۴۴۵	۳۰۵۵۵	۲۰۳۲	۲۳۰۰	۱۵۷۷
۱۰۰۰ ریال و ۱۲۴۹	۱۲۳۱	۱۵۰۰	۲۱۱۱	۱۱۰۰	۱۲۲۰	۲۰۲۲	۱۲۰۰	۵۱۸	۵۰۰۰
ریال	۱۰۵۵	۱۶۰۰	۲۱۱۱	۱۵۰۰	۱۱۵۶	۸۱۱	۲۱۱	-۵۱۰۷	۲۰۰۰
رقبای سربازان	۵۲۱۴	۲۳۵۰	۱۰۱۸	۲۰۰	۱۱۰۰	۳۲۵۲		۵۹۹۹	۷۰۰
یادگان نمرند	۱۶۰۲	۵۰۰	۱۱۷۱	۲۶۱۲	۱۰۲۸	۵۱۸۲	۵۵۳۶	۲۱۱۹	۷۶۲۴
رقبای سربازان	۸۶۱	۲۱۰۰	۱۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰۱	۱۰۴۲	۵۱۰۶	۲۱۱۹	۱۴۰۵
یادگان نمرند	۱۱۱۱	۲۱۲۲	۲۰۱۲۲	۸۳۲	۵۷۷۷	۵۰۰۰	۵۰	۱۰۰۰	۲۴۰۵
رقبای استانبول	۲۸۵۸	۶۰۰۴	۱۰۳۵	۱۵۱۱۶	۵۱۱۴	۱۵۰۰۰	۱۵۵۹	۱۲۲۰	۵۵۲
رقبای استانبول	۲۷۲۲	۲۲۲۲	۳۲۲۲	۱۴۴۰	۵۵۰۰	۱۰۳۲۴	۳۲۲	۲۹۰۰	۵۵۴
از فرخ شهر ۱۱ ریال	۲۷۷۷	۱۲۷۷	۵۰	۵۰۱۱۱	۱۰۲۲	۱۱۱۱	۱۰۰۰	۲۵۰	۵۵۵
رقبای استانبول	۵۰۰	۱۰۰۰	۲۵۰	۵۰۱	۵۰۱	۵۵۵۰	۱۳۳۲	۱۷۰۱	۵۵۶
رقبای استانبول	۱۵۲۲۴	۶۵۰۰	۳۰۲۷	۱۱۲۰	۱۰۵۴۵	۳۱۲۱	۷۲۲	۲۰۰۰۰	۲۳۰۰
رقبای استانبول	۷۵۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۱۱۲۰	۱۶۰۰	۱۷۰۷	۴۲۲	۶۲۵	۳۱۱۱
محصلین جنگ زده			۱۰۳۲۱	۱۵۰۰۰	۱۱۰۰	۲۱۵	۵۰۰۰	۱۷۷۵	۵۰۰
شهرکرد ۴۰۰۰ ریال	۳۳۲۱	۲۱۱۱	۱۰۸۱	۵۰۰	۵۵۱۰	۲۱۵	۹۵۶۴	۲۷۱۰	۵۰۰
	۲۱۱۲	۵۱۲۹			۱۰۰۰۸		۱۰۰۰۰	۲۰۰۰	۵۱۲
							۱۰۵۵		۵۲۲



مبارزات کارگران در کشورهای امپریالیستی رو با اعتلاست

جنبش جهانی

کارگری - رهائیبخش



تجاهلی است علیه کارگران کارخانه بلکه اقدام توطئه‌گرانه‌ای است علیه اقلیت‌های نژادی. چرا که اتحادیه‌های صلابی است در دست کارگران که مانع پرداخت دستمزدهای کمتر به اقلیت‌ها می‌گردد.

کارگران می‌گویند: "اعتصاب به ما موخته است که همه چون تنی واحد و به مثابه کارگران مبارزه کنیم نه چون یک انسان سیاه، سفید، فیلیپینی و یا آمریکایی لاتینی. همه در یک صف و نه علیه یکدیگر."

اعتصاب بخشهای مختلف در صنایع آلمان.

جنبش‌های اعتراضی کارگری اکثراً به صورت اعتصاب در مراکز اصلی ذوب فلز آلمان فدرال و در صنایع متوسط و نیرو در بخشهای بزرگ مانند "مرسدس بنز" گسترش یافته است.

سندیکاهای کلگری خواهان ۸ درصد افزایش دستمزد می‌باشند. مقاطعه‌کاران کد در آغاز، با ۲/۵٪ افزایش دستمزد موافقت کردند، بعداً به ۳/۵٪ رسیدند. در صنایع ذوب فلز در فرانکفورت، مبارزه‌ای بسیار قاطع تر و گسترده تر صورت گرفت. کارگران به مدت یک ساعت دست از کار کشیدند، و در پی آن بسیاری راه پیمایی آغاز شد که به سرعت دهها هزار کارگر را در بر گرفت. همراه با این راه پیمایی ۱۷ هزار کارگر در "فلز بادن" نیز تیز فلز بادن روز به روز مدت یک ساعت دست از کار کشیدند. همچنین، نظاهراتی با شرکت هزاران کارگر در "ویس بادن" صورت گرفت. دامنه این حرکات اعتراضی کارگران به بسیاری از کارخانه‌های "دورت موند" نیز کشیده شد. کارگران با پلاکاردهایی که بر

بحران اقتصادی کشورهای سرما به داری که کل اردرگاه امپریالیسم را فرا گرفته است با گذشت هر روز از زرفا و عمق تازه‌ای برخوردار می‌گردد و اتحادیه‌های نوینی بخود می‌گیرد. طی چند هفته اخیر بسیاری از صنایع کشورهای امپریالیستی دچار رکود تا نژهای شدید و این امر منجر به تعطیل تعدادی از کارخانه‌ها و بی‌توقف موقت در تولیدات برخی از رشته‌ها بویژه ماشین‌سازی شد. در این میان با زهم بر تعداد بیکاران و فقر و سنگدستی رحتکنشان افزوده شد. حدت این بحران به تنهایی در چه بیشتر اتحادیه‌های طبقاتی و مبارزه میان کارگران و سرمایه‌داران اتحادیه‌هاست. هم‌اکنون موج نوینی از مبارزات آشکار کارگری در سراسر کشورهای امپریالیستی در حال گسترش است. با اعتلا نوینی در جنبش طبقه کارگر پدید آمده است. اخبار و گزارشهای مربوط به جنبش طبقه کارگر در کشورهای امپریالیستی بنحو عینی بیانگر این واقعیت است.

آمریکا:

شیکاگو، ۲۵ ژانویه کارگران ۵۰ کارخانه شرکت امپریالیستی استوارت - وارنر، در اعتراض به اخراجهای بی درپیی و بیش از تاریخ پایان قراردادها و استخدامی و همچنین با خاطر کمی دستمزد از تاریخ ۲۴ ژانویه سال جاری بمدت سه هفته دست به اعتصاب زدند. این کارگران در بخشهای سرب و صنایع هواپیمایی کار می‌کنند و اکثریت آنها را کارگران زن تشکیل می‌دهد و همگی عضو اتحادیه کارگران برقکار هستند. آنها بدلیل افزایش هزینه زندگی خواهان ۹۰ سنت اضافه دستمزد در هر ساعت و نیرتاً مین بیمه پزشکی و افزایش جداگانه دستمزد به این اعتصاب از سوی کلیه اتحادیه‌های کارگری منطقه شیکاگو پشتیبانی شد.

همه همه در یک صف:

با نبرانیسکو: کارگران کارخانه "پلوشیلد" وارد مینیمم هفته اعتصاب خود شدند (فوریه). اعتصاب کنندگان به فندان شرایط امینی لازم در کارخانه و کمی دستمزد اعتراض دارند. این کارگران که اکثراً "ساده پوست" فیلیپینی، آمریکایی لاتینی و هستند می‌گویند کارفرما سعی در متلاشی کردن اتحادیه‌ها را در این به نیت

روی آن نوشته شده بود: "وضع اسفنا بر در صنایع ذوب آهن آلمان در خیابانها به حرکت آمدند."

اعتصاب کارکنان در انگلستان

در هفته‌های گذشته کشورهای امپریالیستی اروپا با اهدا اعتصابات و اعتراضات وسیع کارگران و کارکنان بودند، از جمله اعتصاب بیست و چهار ساعتی نیم میلیون کارکنان دولت انگلستان است که به نشانه اعتراض به بائین بودن دستمزدها در هفته گذشته صورت گرفت. در پی این اعتصاب گسترده، امور فرودگاهها، موزه‌ها، کمراکات و اداره‌های دولتی مختل شد دولت انگلستان را با بحرانهای جدی قاره‌ای مواجه کرد. اتحادیه‌های کارگری و کارکنان دولت، اعلام کرد که اعتصاب حدود ۸۰٪ موفق و نتیجه بخش بوده است.

ضمناً کارمندان مراکز کامپیوتری و شبکه‌های دفاعی انگلیس نیز در تاریخ ۱۲/۲۱/۵۹ دست به اعتصاب زدند.

ایتالیا:

بحران اقتصادی، اخراج‌ها، اعتصابات کارگری.

ایتالیا در هفته‌های اخیر در اشکال وسیعتری وارد بحران اقتصادی شد. این بحرانها بویژه در صنایع اتوموبیل سازی فیات که منجر به اخراج کارگران زیادی شد، در پی خود، حرکات اعتراضی کارگران را از قبیل اعتصاب راه پیمایی و اشغال بعضی مناطق، برانگیخت.

اتومبیل سازی فیات:

در حالی که از ماه اکتبر گذشته ۲۳ هزار کارگر همچنان بیکارند، دهها هزار کارگر دیگر نیز به صندوق بیکاری معرفی شدند. این امر بحران شدید و بی سابقه‌ای صنایع اتوموبیل سازی فیات را نشان می‌دهد. مدیران فیات گفته‌اند در یک چنین شرایط بحرانی، نه تنها نمی‌توان سخنی از بازگشت این کارگران به میان آورد، بلکه خانه نشین شدن آنها در ماههای آینده نیز اجتناب ناپذیر است.

راه پیمایی و اعتصاب

علیه اخراج کارگران.

روز ۱۷ ژانویه ۱۹۵۹، کارگران "سپلنت" بقیه در صفحه ۱۴

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهائیبخش سراسر جهان

سرنوشتی حکومت دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در این کشور را داشته دارد. چریکهای مبارز و انقلابی که حمایت وسیع خلق را به همراه دارند، هر روز در مبارزات بیوقفه و خوبسار خود، ضربات کاری و موثری بر یکسوی پوسیده امپریالیسم و پانگامیسمی آن وارد می آورند و موفقیت هایشان کسب می کنند.

از آغاز سال ۱۹۸۱ تا کنون ۳۰۰ نفر در ال سالوادور به قتل رسیده اند. در هفته اخیر چریکها با بمب و گلوله به بانکها، باشگاههای نظامی و دیگر تاسیسات و نهادهای دولتی حمله کرده اند.

همچنین چریکها در حمله ای به مواضع دولتی در یک دهکده در ۸۸ کیلومتری پایتخت قتل... سرارداشت ضربات شدیدی به نیروهای دولتی وارد آوردند. جبهه آزادیبخش "فارا بوندوماری" نیز شهر مهم استراتژیک "چالانتکو" را به محاصره خود در آورد و کنترل کامل شهرستان لورنترو را در ۹۰ کیلومتری سان سالوادور به دست گرفتند.

جوخه های مرگ راست گرایان شوربست های ضد انقلاب هستند که با طرح و نقشه امپریالیسم و وابستگی داخلی اش، زمینداران و سرمایه داران بزرگ در انسالوادور بوجود آمده اند. با گسترش فعالیت چریکهای انقلابی، اخیراً این جوخه های مرگ، "انتقام جوئی های" سرمایه ای به راه انداخته اند. آنها افراد مظلوم و بیگناه را از خانه بیرون می کشند و اعدام شان می کنند و سر روی جسد آنها علامت جوخه خود را نقش می زنند.

۴ جسد در حومه سن سالوادور پیدا شده است. بنا به اظهار سخنگوی نیروهای انقلابی، کشته شدگان "اعتماد" کسانی هستند که مقررات منع عبور و مرورشان را رعایت نکرده اند. بنا به قربانی جوخه مرگ راست گرایان شده اند.

سربازان حکومت نظامی دستور دارند به سوی هر کسی که پس از ساعت شب ظاهراً هر شود تیراندازی کنند.

همکاری رژیم صهیونیستی با رژیم فاشیست السالوادور.

بنا بر گزارش خف... حقیقی وفا، چهارماده رژیم صهیونیستی در حال حاضر با رژیم فاشیستی السالوادور در جهت سرکوبی جنبش انقلابی خلق این کشور همکاری و مشاورت دارند. این مسئله که توسط جبهه "دموکراتیک انقلابی السالوادور" تأیید شده است بر اساس گزارش خبرگزاری وفا، این امر از توافق نام... امریکا و رژیم فاشیست السالوادور ناشی میشود.

جنبش جهانی

دود و غبار کاری می کنند بیما ری "برنشتیت" و عوارض تنفسی تهدیدشان می کند. همین بررسی در بسیاری از واحدهای صنعتی در "پیه مونت" نیز صادق است. هزار کارگر در معرض ابتلا به مرض سرطان.

۲۸ هزار تن در معرض کوشدن به دلیل سر و صدا. ۶۷ هزار کارگر را بیماریهای تنفسی و تنگی نفس تهدید می کند. ۷۵۰۰ تن در معرض بیماریهای ناشی از سیلیکات هستند.

اعتصاب عمومی در فلسطین اشغالی.

از سوی سازمانهای محلی فلسطینی، اعلام شد که از تاریخ ۱۰ مارس (۱۹ اسفند) یک موج اعتصاب عمومی به نشانه همبستگی با ۷۰۰۰ معلم که از تاریخ ۱۲ دسامبر (۲۲ آذر) در اعتصاب بصری برتند، آغاز خواهد شد. اعلام کنندگان این خبر از سازمانهای بین المللی تقاضای همبستگی بسیاری کرده اند. آخرین اعتصابات از این نوع در بهار سال ۱۹۷۹ (بهار ۵۸) انجام گرفت که منجر به دخالت ارتش اسرائیل شد.

اسپانیا باسک:

در پی مرگ یکی از همبران کارگری عضو E.T.A در باسک بر اثر شکنجه، یک اعتصاب عمومی سازمان یافته باسک را در بر گرفت. همچنین در اعتراض به قتل کارگر مزبور که در مادرید دستگیر و شکنجه شده بود، تظاهراتی انجام شد. این حرکات و اعتراضات، علیه قدرت مرکزی و پلیس ویژه پشتیبانی از E.T.A جهت گیری شد.

فرانسه:

افزایش خودکشی بر اثر بیهوشی.

تعداد بیکاران زیر ۲۵ سال فرانسه در عرض یکسال از ۶۰۷ هزار تن به ۶۹۲ هزار تن افزایش یافته است. همچنین، خودکشی در میان جوانان زیر ۳۰ سال که از شدت بیکاری و بی آمدهای ناشی از آن رنج می برند، بالا گرفته است.

السالوادور:

مبارزه مسلحانه خلق السالوادور و پیشاپیش آنها چریکهای انقلابی، بر توان و پیروزمندانه در جهت

بقیه از صفحه ۱۲
بزرگترین شرکت تاسیسات تلفن، علیه اخراج ۲۲۰ تن از کارگران شرکت "کاتانیا" و "سینا" در رم اهیمنائی کردند.

اشغال ۷ ساعته ایستگاه راه آهن رم - جنوا - پیزا.

کارگران روز مزد شرکت ماکسارز وابسته به بنیادگشا ورزی ابرویخا طبر مخالفت با انحلال شرکت و خشمگین از وعده های انجام نشده، راه آهن رم - پیزا - جنوا را اشغال کرده و مواز حرکت قطارها جلوگیری نمودند. این اقدام در پی یک تصمیم جمعی در جلسه کارگران روز مزد در تاریخ ۲۰ فوریه اتخاذ شد. کارگران پس از ساعت موفق به دریافت تخمین کافی از سوی دولت برای جلوگیری از انحلال شرکت (که به بهانه عدم سودآوری قرار بود در تاریخ ۴ مارس انجام گیرد) شدند.

کارگران "مونتهدیون" نیز روز ۱۷ از انویه ۸۱ - بمنوان اعتراض به اخراج ۹۸ کارگر وابسته به اتحادیه، به یک اعتصاب ۲۴ ساعته دست زدند. طبق آخرین خبر در لوموند، ۱۲ هزار تن از ۵۷ هزار تن کارگر این کارخانه اخراج شده اند.

در هفته گذشته سه هزار تن از کارگران کارخانه زانوسی در پور دنونه "به طور محدوداً اعتصاب کردند. کارگران اعتصابی به اخراج ۲۲ هزار کارگر از بخشهای مختلف صنایع ایتالیا، اعتراض داشتند.

بخشی از کارخانه فیسات، کاسینو، برای بیرون رفتن از بحران، تمامی کارگران را به مدت هروزه از تاریخ ۱۲ تا ۱۷ آوریل، بیکار می کند.

نظام سرمایه داری علاوه بر استثمار کارگران و مکیدن شیر جان آنها، همواره سلامتی و تندرستی آنان را نیز در معرض انواع و اقسام امراض و خطرات جانی ناشی از محیط کار، قرار می دهد. هر روز در سراسر جهان کارگران زیادی بر اثر کارهای سخت و توان فرسا و فقدان وسایل ایمنی و بهداشت مناسب، به بیماریهای مزمن نقص عضو، و مرگ میروند.

اخیراً "اتحادیه کارگری F.O.N ایتالیا، آماری از سوانح و ابتلائی که در کارگران را تهدید می کند منتشر کرده است. این آمار خوبی فحایح نظام سرمایه داری و ظلم و ستمی را که به کارگران وارد می شود نشان میدهد. در کارخانه فیسات تورینو بزرگترین کارخانه ایتالیا، سه میلیون و ۱۵۰ هزار کارگر در معرض انواع و اقسام بیماریها قرار دارند. از جمله سرطان، همچنین، گردش ۲۸ هزار تن کارگر شاغل در بخشهای پسر و مدارا تهدید می کنند.

۲۲۵۰ تن که در بخش سیلیکات کار می کنند در معرض خطر قرار دارند. ۱۸۸۰۰ کارگر که در محیط های آلوده به



رژیم جمهوری اسلامی بدهی فتودالهارا از دهقانان میگیرد!

فتودالها با حمایت رژیم علیه دهقانان توطئه می کنند.

دولت جمهوری اسلامی علاوه بر لغو بند "ج" قانون زمینداری، اطلاعات ارضی، که اعلام رسمی دفاع از زمینداران بزرگ است، تلاش می کند تا زمین های را که دهقانان رحمتکش طی دو سال بعد ارقام معادله انقلابی کرده اند، باز پس بگیرد و در اختیار مالکینان خونخوار و غارتگر بگذارد. حکومت برای رسیدن به این نجات ضد انقلابی، دهقانان ستمدیده را در مضیقه فشار قرار میدهد. و با بیل و نیزه ارتکاب و کار در اختیار آنان نمی گذارد. مالیاتها و پولیهای گزاف از آنها میگیرد و سه انواع مختلف آسیران تحت فشار می گذارد تا خارج شوند زمین خود را رها کنند. البته تاکنون فتودالها با حمایت دولت "مستقیم" و با رور و ۳ وکیر و سید و احکام "داهگاههای انقلاب اسلامی" نیز زمینهای معادله ای را از دهقانان گرفته اند. سال گذشته زمینکنان روستای باز کیا کور را از انواع لاهجان، سا تشکیل سورانی، زمینهای باغ جانی چند تن از زمینداران بزرگ را پس خود تقسیم کردند. در همان بدو عمل انقلابی دهقانان، زاندارم ها از سبق حاکم سرخ لاهجان، به سراغ دهقانان آمدند تا زمین های را از آنها پس بگیرند. اما مذاومت کیا رحمت و ساکنان زمینکنان، سوخت شد که را ندارم. اما عقب نشینی کنند. زمین تا توسط دهقانان گاشته بدو دهقانان محصور را بردار کردند و به کار راه بردند. اما در کارخانه، فرسخ چند تن از آنان توسط فرمانداری ضبط شد. و در خرداد دهقانان ۴۰۰ تا ۵۰۰ مومانی برای باز برداخت و امی که زمینداران قبلا از ساکنان گرفته بودند، طلب کردند. این عمل فرمانداری که با یک کما هست حکومت جمهوری اسلامی است، باعث شد که امسال شهادت از روستاکنان اقدام به کاسه زمین ها کنند. و اکثر آنها را اینکه میاد از زمین را که می کارند توسط حکومت گرفته شود. زمین ها را اما در کینت نگرداند. این امر موجب فشار و فلک بین آریستون روستاکنان شد. و زمینهای فراهم می آورد تا زمینداران بتوانند به بهانه نده، کسب زمین و بی فایده ماندن آن دیوار چنگال خود را در زمین و زندگی دهقانان ستمدیده فرو کنند.

فتودالهایی که با معادله انقلابی زمین توسط دهقانان ضربه های سختی خورده بودند، مدتهاست که با انکاب به رژیم جمهوری اسلامی جان گرفته و مرتب در صدد توطئه چینی و اقداماتی هستند تا زمینها را از دهقانان محروم باز پس بگیرند. روستای "مکسام" رضوانشهر که بزرگ محمول عمده آن است و عمده ای نیز از طریق باغداران سرار معاش می کنند، بعد ارقام تا هستند تحولات و حرکتهای انقلابی دهقانان بوده است. زمینکنان این روستا بعد ارقام با تشکیل شورای دهقانی جهل هکنار از زمینهای "محمد هوتک خان حواهرستی" فتودال بزرگ روستا را معادله کردند. دهقانان زمینکش با برپا ماه های منظم و خاص به کشت و کاری زمینهای معادله ای پرداختند. فتودال

سرسپرده مزبور نیز ۱۴۰ هکتار بقیه ای زمین را در دست دارد. و مدام سعی دارد که با حمایت رژیم جمهوری اسلامی مقدار زمینی را که توسط دهقانان معادله شده است از آنها باز پس بگیرد. این فتودال خونخوار که در رژیم گذشته همواره از حمایت شاهپور غلامرضا برخوردار بوده، اکنون زیر حمایت رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و از دادگستری منطقه انتظارهایی بنام دهقانان روستای مکام گرفته است تا زمینها را از آنها بگیرد. اما تاکنون دهقانان در برابر اخطار رژیم، دادگستری و توطئه ها و اقدامات فتودال سرسپرده، با اتحاد و همبستگی مقاومت کرده اند و مصمم هستند که زمینهای معادله ای را در اختیار خود نگه دارند.

شهردار شاهین شهر در برابر اعتصاب و فتگران عقب نشینی کرد

زیاله و اشغال شهر را فرا گرفته و بهداشت شهر را با خطری جدی روبرو میکرد و اعتراض مردم (در حمایت کارگران) هر روز بیشتر می شد. شهردار موافقت کرد که حقوق یکماه آنها را بلافاصله بپردازد. و بقیه حقوق عقب افتاده رفتگران را نیز تا پانزده روز بعد بدهد. کارگران که موفقیتی نسبی بدست آوردند اعتصاب را شکستند و به شهرداری گوشزد کردند که اگر طی مدت تعیین شده حقوق عقب افتاده شان پرداخت نشود مجدداً اعتصاب می کنند.

کارگران شهرداری (رفتگران) شاهین شهر اطمینان موفق شدند با اعتصابی هشت روزه، حقوق عقب افتاده خود را بگیرند. این کارگران تا قبل از قیام روز مزد بودند و بعد از قیام که اداره عمران شاهین شهر بدست بنیاد افتاد با استخدام شهرداری درآمد ما در این دو سال - دست اندر کاران شهرداری، برای استکه کارگران را بیدار نکنند، هر سه ماه یکبار آنها را اخراج کرده و دوباره استخدامشان میکنند. کارگران زمینکش که برای گرفتن سه ماه حقوق عقب افتاده خود دست به اعتصاب زدند، با مسئولین شهرداری بیوزنما سر کردند و جواب سیمند که "بما مربوط نیست و مسئولیت شما سنده عمران است." همین جواب را عمران هم به آنها دادند علاوه بر آنها پاسخ داده شد که ما در فتگران احتجاج نداریم. کارگران به بار به شهرداری مراجعه کردند. این بار مسئولین به آنها گفتند "چون حقوق شما از محل مالیاتهای مردم ما میسر میشود و در این شرایط مردم مالیات نمیدهند برای شما حقوقی منظور نمی شود. مسئولان با سر دادن کارگران میخواستند از پرداخت حقوق کارگران طفره برونند اما از یکطرف با مقاومت کارگران - روبرو شدند و از طرف دیگر سعی

رفقا و هواداران!

چون سازمان می خواهد باشد زندگی نامه فدائیان شهید را منتشر کند، از گلستان رفقا و همه هواداران (بخصوص خانواده رفقای شهید) میخواهد که هر گونه نوشته - خاطره - عکس و اثری که از رفقای شهید سازمان در اختیار دارند، آنرا هر چه سریعتر برای ما بفرستند. رفقای که با خانواده شهیدان سازمان آشنایی بیشتری دارند، پس از همه باید به اس امری سازی رسانند. سرور باشید

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۲۵

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

کمون نه تنها شکل سلطنتی تسلط طبقاتی را تغییر داد بلکه جمهوری بدل نمود بلکه تسلط طبقاتی را برین برد. دائمی و جا نشین کردن آن با ارتش از خلق مسلح بود. پس از آن نوبت به براندازی سیستم بوروکراتیک رسید. کمون دستکاه اداری بورژوازی را درهم شکست. قوه مجریه و قضائیه را در شورای کمون که وظیفه اداره امور دولت را بر عهده داشت اقامت کرد. کمون ثابت کرد که طبقه کارگر نمیتواند دستکاه موجود دولتی را بدست گرفته و آنرا برای اجزای مفاد خود به حرکت در آورد بلکه باید ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی را خرد کند و دولتی جدید از طراز کمون را جایگزین آن سازد. این نیز امکان پذیر نبود جز از طریق انقلاب فهرآیز نابودی دولت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولناریا. کمون پاریس جواب عینی و مشخصی به این سوال که چه چیزی باید جا نشین یا سبب خرد شده دولتی شود داد. چیزی که در سال ۱۸۴۷ در ماساچوست کمونیت فرانسه مطرح شده بود. کمون بجای ماشین دولتی خرد شده دمکراسی کاملتری را برقرار نمود که عیسایرت بوداریسمی مسلح بوده ای و انتظامی بودن کامل و قابل سقوط همه ساختارهای سلطنتی. کمون تسلیم عدوی غلط را جاسین ارتش بورژوازی. این ابزار بلا را در دولت بورژوازی کرد. دستکاه بوروکراتیک اداری را از بین برد. دموکراسی دروغین بورژوازی را سه دمکراسی واقعی پرولناریا تبدیل کرد. کمون نظام ترسناک آریا رمانتی بورژوازی را منحل فرمود و دعوی ده کمیسون کار وجود آورد. هر مستبدانی بطور دمکراتیک در یکی از شورای ده دانه کمون مطرح و مورد بحث قرار میگرفت و بعد مصیفات آنها تصدیه در شورای مرکزی کمون جمع میشد و با احسار گذاشته میشد. بدین ترتیب کمون یک ارکان پارلمانی نبود بلکه یک ارکان فانوکنگاری و اجرایی بود. احسای بود. لنین در این باره می نویسد: "اهمیت کمون عبارت از کوستی بود که برای ارمه یاسیدن دستکاه حکومتی و سازمان اداری، قضائی، نظامی و پلیسی سمل آورد، وسیع کرده بود که آنرا اریخ وین سر کدیویک تشکیلات خود مختار شده ای را که تفکیک بود معینه از قوه مجریه سه برای معنای نادانی جا نشین آن سازد. کمون همچنین تمام مناصب اداری، قضائی و آموزشی را از طریق آراء عمومی مردم نه مسئولیت سبب مسپرد. در این سیستم مردم میتوانند در هر زمان مسئولین را مصلحت کنند. حقوق سالیانه افرادی که دارای مشاغل اداری بودند دهه عفراتک بود.

(آلمان) به هیچ وجه نمیتوانست از خود دفاع کند مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح کرده و در زمانی فعال متشکل کند. اما پاریس مسلح معنا بشانقلاب مسلحانه کارگران نبود. پیروزی پاریس بر آلمان متجاوز یعنی پیروزی طبقه کارگر فرانسوی بر سرمایه داران و انگلهای دولتی بود. در این کشمکش بین وظیفه ملی و منافع طبقاتی "حکومت دفاع ملی" برای آنکه خود را به حکومت خیانت ملی بدل کند حتی لحظه ای هم درنگ نکرد. تیریکه اندکی قبل از ۲۸ ژانویه ۱۸۷۱ از طرف مالکان بزرگ و بورژوازی و سلطنت طلبان در یک مجمع ملی در رأس دولت بورژوازی قرار گرفته بود بعد از رسیدن به قدرت فرار داد و ملحق با پیروان رابدا مختصا رسا و مطابق آن الزام و تون به پیروان تعلق گرفت و مبلغ هیلپاریا در فرانک بعنوان غرامت جنگی به آلمان پرداخت کردید. بعد از آن تیریکه خیال راحت همه نیروی نظامی اش را برای حمله به پرولتاریای مسلح پاریس بسیج نمود. پاریس مسلح تنها مانع جدی بر سر راه توطئه ضد انقلابی تیریکه بود. پس پاریس می باید خلع سلاح میشد. کار دملی که به طبقه کارگر ملحق شده بود مجهز به توپخانه بود. پس گرفتن توپخانه از دست کار دملی میتواندست مقدمه ای برای خلع سلاح پاریس باشد. از لنین و کورچه در معاهده صلح، توپخانه متعلق سه کار دملی عنوان شده بود ولی تیریکه بدروغ آنرا مالک دولت قلمداد کرد و برای تصاحب آن شبانه چند هنگ راه مون مار ترفر سنادا کار دملی را خلع سلاح کرد و توپخانه اش را ضبط کرد. اما تلاش آنها با مقاومت کار دملی مواجه شد. در اینجا کارگران و رجمگان پاریس با مینیا سستی بدست سوراخ دولت یعنی خلع سلاح تیریکه آمدند که این به معنی نابودی انقلاب فرانسه بود و با بیدار شدن حرکت انقلابی یعنی واژگونی حکومت بورژوازی مبارز و وریده انقلاب فرانسه را تداوم می بخشیدند. پاریس راه دوم را سرگردید. با ریس که در نتیجه پنجمه کرسنگی و قحطی تحیف شده بود لحظه ای هم تردید نکرد. طبقه کارگر و رجمگان پاریس مصمم شدند با تمام عواقب مقاومت را در مقابل توطئه کران فرانسوی و توپهای پیروسی که پشت دروازه های پاریس سنگر گرفته بود، بخود بخرد.

در روز ۱۸ مارس کارگران پاریس تحت رهبری کمیته مرکزی کار دملی، ارتش دولت ارتجاعی و ضد انقلابی تیریکه را عقب زانده، سه مون مان را به تصرف در آوردند. کارگران همچنین در تیردی مسلحانه سفاک حساس شهر را تصرف کرده و بر فراز شهرداری برجیم سرخ حکومت پرولناریا را برای اولین بار به اهتزاز در آوردند. دولت بورژوازی که شکست خورده بود سبب ورسای را بگرفت. پس از آن در شهرهای دیگر فرانسه چون لیون تولوز، بسنر بیکنان، کردسوت نیز دولت کارگری تشکیل شد.

این مبلغ برابر دستمزد یک کارگر ماهربود. پلیس بجای آنکه عامل حکومت مرکزی یا خدا از اختیارات سیاسی اش محروم شود به عامل کمون که در هر لحظه قابل عزل بود مبدل گردید. پس از حذف ارتش دائمی پلیس که عامل قهریه مادی حکومت بود، کمون بفکر درهم شکستن نیروی معنوی مرکوب یعنی "قدرت کشیشان" از طریق سبب تفکیک کلیسا از دولت افتاد. درهای تمام موسسات آموزشی مجانا به روی خلق باز شد و این موسسات از زیر نفوذ کلیساها گردید. کمون با وجود کوتاه بودن طول حیاتش موفق سه انجام اقداماتی در زمینه بهبود زندگی کارگران و رجمگان شد. کارخانه ها را گردن ناواها را ممنوع اعلام کرد. کارخانه ها و کارخانه های که کارشان متوقف شده یا صاحبان گریختنیه بودند در اختیار اتحادیه های تعاونی کارگری قرار گرفتند. کارفرمایان از جریمه کردن یا کسر میلی از دستمزد برای آنان بپیری منع شدند. کمون همچنین بدستگاه اشخاص بستند. در اینجا تکیه را به آرایش دولت و مدت بسیار پرداخت دیون و اجاره ها را تسدید کرد. کمون کورچه دستاورد های کرافتوری را در حین کمون سوسیالیست از خود رستایی نهاد اما طلب اشخاصی که مخاطب تیریکه و سوسیالیست تیریکه بودند را در این کمون سوسیالیست سوسیالیست را از فرماندهی در نیمه راه تصرف کرد. کمون پاریس عمدتاً در سطح بلاتکلیف و بی برتری نسبت به کسده همگام بود. موسسه لیس علمی بجز سز نبود. در عمری مستند. در این ستمها ها و وضعی ستمی و رستای کمون را در رستای سوسیالیست اندک کرده ای با وجود تمام این اشتباهات بدهم کاری صمیمانه و نزدیک خود با کمون داد. مضافاً لنین در این باره می نویسد: "پاریس رهبر آزادی یک قیام زودرس بر جرد سبب است و لسی برای سردلان پرولناریا یک مشاور عملی بود. یک شرکت کننده در تیریکه توده ها بود. توده های که کسب تون اعتناء به تشریهای غلط و اشتباهات بلانکی و پیروان تمام جیش رابسه در حله بالایی ارتقاء دادند. کمون پاریس در ستما میره ۱۸۷۰ قیام را یک جنون می ناهید و دولتی تیریکه شده قیام میکنند اما رگس سخاوتها آنها همگام میشود و همراه آنها از حریسان مبارزه تسلیم نکیرد. (لنین در باره ستمهای مارکس سه کوکلمسان ۱۸۷۷)

کمون که توانست به انقلاب مسلحانه و تکمیک قهر انقلابی تیریکه ها دولتی و بورژوازی را به عقب سبب وادار کند و قدرت را کرباریس بدست آورد دنیا بسد بوسبب سبب سبب از سره سبب و رستای دفاع میگرد و انقلاب را تا به آخر میرساند. اما با حمله نکردن به ورسای که در آن زمان بجای دفاع بود در یک اشتباه غیر قابل جبران بود. بدین سبب بی بر عدالتی را برای هرگونه توطئه و با سبب سازی نیروی ضد انقلابیان با رکداشت. این اشتباه از ناحیه رهبری در حال سبب بقیه در صفحه ۱۷



درگیریهای اخیر لاهيجان

بقیه از صفحه ۲۰

بعد از ظهر با سداران مراجعت کردند و از مردم خواستند متفرق شوند. سپس دست به تیراندازی زدند. وضع شهر بکلی تغییر میکند، همه به خیا با نهایی می‌ریزند، مردم در خانه‌ها را بازمیکنداشتند تا کسانیکه از جنگ با سداران و با از تیررس آنها میگریختند خود را مخفی کنند. تیراندازی با سداران و مقاومت مردم، مدتی ادامه می‌یابد. در این روزها زده‌نفر مجروح میشوند. صبح روز جمعه با سداران مجدداً به اجتماع مردم در خیابان بازا رحله می‌کنند. آنان که از گسترش دامنه مبارزات مردم، سخت و خست زده شده بودند دوباره شروع به تیراندازی میکنند. یک دختر با نوزده ساله بتا می‌صباغ و پیرمردی بنا به پور میرزائی شهید میشوند. دو نفر نیز مجروح میگردند. فردای آنروز جنازه شهدا دفن میشوند. شهر حالت خفقان زده و مضطرب پیدا میکند، جاده لاهيجان - لنگرود و لاهيجان - رشت بزرگ کنترل با سداران می‌رود، آنها تومبیل‌ها را با زرسی و افراد را با جونی می‌کنند. عصر این روز تعدادی از مغازه‌داران را مجبور می‌کنند، مغازه‌هایشان را بازنکنند و بقیه را نیز تهدید به آتش زدن مغازه‌ها میکنند. اقدامات ضد مردمی و سرکوبگرانه با سداران و باندهای جما قدا روسیس دروغهایی که در این رابطه توسط رادیو و تلویزیون منتشر گردید چشم‌وا نزار شدید عمومی را در شهر لاهيجان بسز انگیخت.

کارگاه هنر ایران در اشاعه هنر انقلابی تقدیم می‌کند

پیشین ۳

باباتی‌هایی از آذربایجان

شماره ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۹

کارگاه هنر ایران

یکصد و دهمین سالگرد کمون پاریس

بقیه از صفحه ۱۶



(لنین به مناسبت چهل و پنجمین سالگشت ۱۹۱۱ کمون)

بورژوازی فرانسه به رهبری تی‌پیر تا زمانیکه پرچم سرخ پرولتاریا بر فراز شهر پاریس در اهتزاز بود خواب راحتی نداشت. تی‌پرا با شکی نداشت که برای سرکوب پرولتاریا شرایط دولت پروس را برای تسلیم بپذیرد. و در این هنگام بود که بیسمارک صدراعظم پروس بمنظور تکمیل ارتش ارتجاعی تی‌پیر حدود صد هزار نفر از سربازان ارتش امپراتوری فرانسه را که اسیر ارتش پروس شده بودند آزاد کرد.

و سرانجام زمانی که تی‌پیر از پشتیبانی ارتش پروس مطمئن شد فریاد برآورد: "من قانون بدست وارد پاریس خواهم شد." و بدینال آن ژنرالهای بنا پارتی، این رجاله‌های ورسای در ۲۱ مه به کمک حاسوسانی که قبلاب شهر نفوذ کرده بودند و در شهر پاریس شدند و کشت و کشتاری بسز راه انداختند که تا آنوقت پاریس هرگز شاهد آن نبود.

هفته خونین پاریس بود که جهان را تکوان داد. طبقه کارگر و تمام مردم پاریس از زن و مرد، پیرو جوان همه بدون اینکه لحظه‌ای به مرگ بیاندیشند برای دفاع از دولت انقلابیشان یعنی کمون پاریس دلاورانه نبرد کردند. روز ۲۷ مه گروهی از کموناردهای پاریس از قبرستان پرلاژ در مقابل دشمنی که از نظر کمیت ده مرتبه بر آنها برتری داشت مقاومت کردند و هنگامی که مهاجمان تمام شدند تا آخرین لحظه با سرنیزه تفنگهایشان به جنگ تن به تن ادامه دادند و دهمگی در همان قبرستان شهید شدند و حتی بکنفرانس تسلیم دشمن نگردید.

پاریس مجموعاً ۲۳ هزار نفر از فرزندان دلیرو قهرمان خود را از دست داد. امروزه تنها کارگران فرانسه بلکه پرولتاریای جهان با درزمنندگان کمون را گرامی میدارند زیرا کمون تنها برای یک وظیفه ملی نجنبید. کمون بسز راهی کلیه زحمتکشان جهان نبرد کرد. امر کمون امر انقلاب اجتماعی، امر راهانی کامل سیاسی و اقتصادی زحمتکشان و پرولتاریای جهانی است. و با این مفهوم کمون فناناپذیر است.

مورت گرفت که توده‌های کارگر و کار ملی کمون خواستار حمله به ورسای بودند. همین تردیدها به فرسودگی انقلابیون فرصت داد تا قوای خود را منظم کرده و سرانجام کمون را به خاک و خون کشند.

اشتباه دیگر کمون این بود که ضد انقلابیونی که بطور مخفی در پاریس فعالیت میکردند و اطلاعات را به ورسای منتقل میکردند سرکوب نشدند و با آنان مجال توطئه و جاسوسی به نفع بورژوازی ورسای داده شد. اشتباه دیگر ملی‌نگردن با تگ فرانسه بود بجای آنکه طبقه کارگران را با تسامح مالی بانک برای پیشبرد امر انقلاب استقاده نماید و از دست اندازی بورژوازی بر آن جلوگیری کند، بر عکس پرود و نیست‌ها که با ملی شدن بانک مخالفت نمودند حتی اجازه دادند مقدار قابل ملاحظه‌ای پول در اختیار ضد انقلابیون ورسای قرار گیرد. تی‌پیر و عمالشان با این پول توانستند بخارج حمله به پاریس را تا میسر کنند. یکی از عواملی که نتوانست در موفقیت کمون موثراندا این بود که طبقه کارگر با زحمتکشان شهر و روستا و بیوزده هفتاد تن متحد شود. با اینکه یکی از دلایل پیروزی کمون در پیسه قدرت رسیدن پیوند اتحادی با خرد بورژوازی پایتخت بود، بر عکس یکی از دلایل شکستش نیز عدم امکان تماس با دهقانان سراسر کشور و جلب حمایت آنها بود.

لنین در جمع بندی که از کمون بدست میدهد چنین مینویسد: "وظیفه واقعی ایگه کمون با بد انجام میداد، قبل از هر چیز عبارت از آن بود که دیکتاتوری دموکراتیک (کارگران و دهقانان) و نه آنکه دیکتاتوری سوسیالیستی را تحقق بخشد... زیرا بنظر لنین انقلاب پیروزمند اجتماعی لا اقل مستلزم دو پیش شرط میباشد: تکامل نیروهای مولده با بد به سطح بالایی رسیده باشد و پرولتاریا با بد آماده شده باشد. ولی در ۱۸۷۱ این دو پیش شرط موجود نبودند. سرما به دای فرانسه هنوز رشدنا چیزی داشت و فرانسه در آن زمان یک کشور خرد بورژوازی بود (سرزمین پیشه‌وران، دهقانان و خرده‌فروشان و غیره). از طرف دیگر یک حزب طبقه کارگر وجود نداشت."

پرسی اوضاع سیاسی و رهنمودهایی به هواداران

بقیه از صفحه ۸

زدوبند جمهوری اسلامی با سرمایه داران

به نقل از سومین شماره "خبر"، نشریه شاخه گیلان سازمان

مزاها و بیمه شدن بودند اخراج کرده و به جای آنها افرادی را با حقوقی سنگین استخدام میکنند و روزانه تا هزاران تومان مبالغه در پرداخت می کنند. علاوه بر این یک باب مفاخره را می توان به آقای محمودی منتول روابط عمومی سپاه بها رسان و معلم تعلیمات دبستانی آستانرا مدهد تا به این ترتیب حمایت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین کرده.

آستانرا در کارخانه آرد سفیدکس متعلق به سرمایه داری بنام رفیعیان است که کارگران او ستار دریا نیستند. مزاها و حق اولاد بیمه هستند و رفیعیان صاحب کارخانه در جواب به کارگران میگوید: اگر شما را بیمه کنیم حقوق شما کم میشود و در ضمن کارکم است و تمام دستمزد شما به من میسر میگردد و فرمایند برای من در هر ماه پشمی میفرستند و اگر گمانی را که خواهان دریا است

ما دام که نیروهای انقلاب نتوانند اکثریت نیروهای مسلح را در اختیار بگیرند و به تشکیل داده و حفظ و مرزهای نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را بطور قاطع مشخص نموده و صف بندی را امتیاز کرده اند و در نهایت توطئه آنها را از سر گرفته و از دنیا له روی دموکرات های انقلابی جلوگیری نمایند. در این صورت ما قادریم تا به پیوسته، تمیزی سیاسی در تشکیلات نیروهای طبقه کار

به نفع انقلاب بوجود آورده و تا آنقدر که می تواند با وجود تشکیلات بدنی که در تشکیلاتی است و انقلابی حکم می کند که به حوضی انقلابی خود را برای مقابله با تحولات سیاسی آینده و شرکت هر چه در آنها در بر می آید و در نهایت به جهت آزما دهی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز افزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش بینی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آمادگی داشته باشند تا در هر لحظه در هر صورت و در هر شرایطی در هر جا که باشد با تحولات سیاسی و اجتماعی آینده قاطعانه برخورد کنند و در هر صورت با هر چه در پیش آید با تمام توان و با هر چه در توان است با آن مبارزه کنند.

۱- رفقای هوادار با بدبینی و هشواری انقلابی آماده مقابله با تحولات سیاسی و اقتصادی آینده و شرکت هر چه در آنها در بر می آید و در نهایت به جهت آزما دهی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز افزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش بینی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آمادگی داشته باشند تا در هر لحظه در هر صورت و در هر شرایطی در هر جا که باشد با تحولات سیاسی و اجتماعی آینده قاطعانه برخورد کنند و در هر صورت با هر چه در پیش آید با تمام توان و با هر چه در توان است با آن مبارزه کنند.

۲- رفقای هوادار با بدبینی و هشواری انقلابی آماده مقابله با تحولات سیاسی و اقتصادی آینده و شرکت هر چه در آنها در بر می آید و در نهایت به جهت آزما دهی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز افزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش بینی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آمادگی داشته باشند تا در هر لحظه در هر صورت و در هر شرایطی در هر جا که باشد با تحولات سیاسی و اجتماعی آینده قاطعانه برخورد کنند و در هر صورت با هر چه در پیش آید با تمام توان و با هر چه در توان است با آن مبارزه کنند.

۳- رفقای هوادار با بدبینی و هشواری انقلابی آماده مقابله با تحولات سیاسی و اقتصادی آینده و شرکت هر چه در آنها در بر می آید و در نهایت به جهت آزما دهی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز افزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش بینی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آمادگی داشته باشند تا در هر لحظه در هر صورت و در هر شرایطی در هر جا که باشد با تحولات سیاسی و اجتماعی آینده قاطعانه برخورد کنند و در هر صورت با هر چه در پیش آید با تمام توان و با هر چه در توان است با آن مبارزه کنند.

۴- رفقای هوادار با بدبینی و هشواری انقلابی آماده مقابله با تحولات سیاسی و اقتصادی آینده و شرکت هر چه در آنها در بر می آید و در نهایت به جهت آزما دهی و رهبری مبارزات توده ای آماده سازیم. سرعت روز افزون تحولات اجتماعی و پیچیدگی اوضاع سیاسی، پیش بینی کامل رویدادهای مختلف را غیر ممکن و حتی محال میسازد. لذا نیروهای انقلابی باید آمادگی داشته باشند تا در هر لحظه در هر صورت و در هر شرایطی در هر جا که باشد با تحولات سیاسی و اجتماعی آینده قاطعانه برخورد کنند و در هر صورت با هر چه در پیش آید با تمام توان و با هر چه در توان است با آن مبارزه کنند.

۱- در هر جا که هستند، کارخانه، مزرعه، مدرسه، محله، اداره و... بطور فعالانه در مبارزات شرکت کنند. در جهت سازماندهی این مبارزات و ارتقاء شعارها بکوشند. هر کجا که مبارزهای جریان دارد در صف مقدمان قرار گیرند.

۲- در اجتماعات، میتینگ ها، سخنرانی ها، راهپیمایی ها و غیره شرکت کرده و به تبلیغ نظریات سازمان بپردازند. تجربه و تفکرات خود را به دیگران منتقل کنند. کارهای اجتماعی را با دیگران هماهنگ کنند و در جهت سازماندهی آنها تلاش کنند.

۳- تبلیغ و ترویج وسیع و گسترده اهمیت بسیاری دارد و لازم است که فعالان سیاسی در عرصه مبارزه است، تبلیغ شفاهی و کتبی بی شک شریک و مکمل تبلیغ بدنی است. در صورت گنبد، صحبت و بحث در کارخانه، محله، مزرعه، محل تجمع توده ها و دیگرها و حول و حول دیگر و غیره در این شرایط از بدنی بسیار غوره است و در تبلیغ ایده های موحش در میان توده ها وسیله بسیار موثر است. در هر جا که توده ها جمع می شوند باید به تبلیغ شفاهی بپردازند. تبلیغ کتبی میتواند با کتور و تویس، بروی دیوارها، بخش نشریه کار، اعلامیه و تراکت های سازمان و در صورت امکان کنفرانس

پیشگام دانش آموز نشریه سیاسی - صنفی دانش آموزان پیشگام منتشر شد

اسلامی سربازان فعالیتهای سیاسی و صنفی دانش آموزان پدید آورده است. هنوز هم پخش آهنگی از زمان آخرین و زنده ترین کارهای این جنبش است. در این راستا در همین شرایطی انتشار یک نشریه ویژه - دانش آموزان که به عنوان نماشال آنها با سع گوید بسیار مناسب و ضروری بوده است. این نشریه به وسیله دانش آموزان و به وسیله دانش آموزان رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین کرده.

انتشار نشریه پیشگام در شرایطی که گسترش و اعتلای جنبش خودهای از سوی رفقای پیشگام کامی است چه بسیار جهت با همکاری شما ثانی که جنبش دانش آموزی با آن روبروست. بخش و صنفی که دانش آموزان - مبین ما با کمیت بسیار عظیم خود - پیش از این و به پیروی از آن در جنبش توده ای ایران پدید آورده اند، بر کسب پوشیده نیست. ارفا و جبران سیاسی جامعه وسیع توده های دانش آموز را به عرصه مبارزات سیاسی گشاده است و علمای محدودیتها را که رژیم جمهوری

پیشگام

نشریه دانش آموزان

مؤلف: سید علی حسینی

تولید: دفتر نشر پیشگام

ضرورت انتشار پیشگام دانش آموز

پیشگام دانش آموز، نشریه سیاسی - صنفی دانش آموزان است که به وسیله دانش آموزان و به وسیله دانش آموزان رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین کرده.

انحلال مدارس نمودی دیگران و دستگیری سیاستهای رژیم در مدارس

انحلال مدارس نمودی دیگران و دستگیری سیاستهای رژیم در مدارس، اقدامی است که به وسیله دانش آموزان و به وسیله دانش آموزان رژیم جمهوری اسلامی از او تضمین کرده.

پرتوان با جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دهکراتیک خلقهای ایران

خبرهایی از: جنبش مقاومت خلق کرد

خودبا زگشتند .
 بانه در درگیریهای اخیر
 اطراف بانه حدود پینجاه پاسدار کشته
 شده است و پاسداران که از این ضربه های
 متوالی جنبش خلق کرد به وحشت
 افتادند به تهران گزارش دادند که هر
 چه زودتر در مورد بمباران روستاهای
 اطراف بانه - سردشت - بوکسین و
 مهسا با اقدام شود و گرنه ما پاسداران
 "انقلاب اسلامی" در کردستان نمی مانیم .
 دیواندره - بدنبال درگیری
 پاسداران و جاش ها با پیشمرگان بین
 راه دیواندره و رستای زاغه که منجر به
 کشته شدن چند پاسدار و جاش شد ،
 پاسداران با پوشیدن لباس کردی به
 روستای زاغه رفتند و نمود کردند که
 از پیشمرگهای انقلابی خلق کرده ستند .
 آنها بعد از آراودیت مردم از هلسر
 خانواده هتا (هزار تومان پول طلب
 کردند . پاسداران روستا ثیا بزحمتگی
 راه پیدا کردند که اگر مبلغ مذکور
 به آنها داده نشود تمام روستا را قتل
 عام میکنند . بعد هم مقداری پول و
 اشیاء قیمتی روستا ثیا را غارت
 کردند ، و از ده خارج شدند ●

همراه با تشدید سیاستهای سرکوبگرانه
 حکومت جمهوری اسلامی در کردستان
 بلندگوهای تبلیغاتی رژیم سعی در
 وارونه جلوه دادن مبارزات بحق
 زحمتکشان کرده دارند ، اما واقعیتهای
 ملموس جنبش خلق کرد مشت محکمی است
 بر دهان این باوه گویان و سند بیست بر
 حقانیت مبارزات حق طلبانه توده
 های زحمتکش کرد .
 سنندج - در تاریخ ۲۹ بهمن پنج
 شب چهل نفر از پیشمرگان حزب
 دمکرات به داخل شهر سنندج میروند و
 مورد استقبال توده های مردم قرار
 میگیرند . در طرف نیم ساعت حدود
 دوهزار نفر دوز پیشمرگان جمع میشوند و
 به راهپیمایی میپردازند . در این
 شب پیشمرگان در داخل شهر دست به
 عملیاتی زدند از جمله ، ابتدای جاشی را
 به گروگان گرفته و خانه اش را منفجر
 کردند و لحظاتی بعد در خیابان ششم
 بهمن سابق پاسداران سرمایه و -
 جاشهای خود فروخته درگیر شدند . در
 این درگیری چند جاش و پاسدار کشته و
 زخمی شدند ، همچنین یک پیشمرگ از
 ناحیه دست محروح شد و بقیه به پایگاه

یکصد و دهمین سالگرد کمون پارسیس

اولین حکومت کارگری جهان



یکصد و دهمین سال از کمون پارسیس و
 تشکیل اولین حکومت کارگری در جهان
 میگذرد . کمون پارسیس نمونیه
 شکوهمندترین جنبش پرولتری قرن
 نوزدهم است که با وجود همه اشتباهاتش
 پیشتا از انقلابات اجتماعی جهانسی
 بشمار میاید .

در ۱۸ مارس (۲۷ اسفند) ۱۸۷۱ طبقه
 کارگر فرانسه به همراه سایر اقشار
 زحمتکش بیخاست و نخستین حکومت
 کارگری جهان را بوجود آورد . این
 اولین اقدام عملی و جدی طبقه کارگر
 برای سرنگونی بورژوازی و برقراری
 حکومت کارگری بود . گرچه کمون
 سرکوب شد و حکومت کارگری بیش از ۷۲
 روز دوام نیافت ، ولی آموزشهایی که
 از تجربیات کمون بدست آمده باعث
 تکوین تئوری انقلابی دولت و
 دیکتاتوری پرولتاریا گشته و راهنمای
 مبارزات طبقاتی در طی مدوده سال
 اخیر گردیده .

در سال ۱۸۵۱ لئوئی بناپارت بنا
 کودتای خود به انقلاب ۱۸۴۸ پاسداران داد
 و فرانسه ۱۸ سال زیر یوغ رژیم
 بناپارتنی رفت . در تاریخ ۱۹ ژوئیه
 ۱۸۷۰ جنگ بین فرانسه و آلمان در گرفت
 ارتش فرانسه که از ارتش آلمان
 شکست های سختی خورده بود در سپتامبر
 درسدان متلاشی گردید و بناپلئون سوم
 (لئوئی بناپارت) اسیر شد . درجهت آرام
 سپتامبر کارگران و زحمتکشان پارسیس
 رژیم سلطنتی را ساقط و حکومت جمهوری
 را اعلام کردند . در این زمان دسته ای
 توطئه گر که تیروترو شو ، ژنرالهای ،
 مرتجع لئوئی بناپارت در آلمان بودند
 شهر آری پارسیس را اشغال کرده و دولت
 بورژوازی "دفاع ملی" را که درواست
 دولت "ممانت ملی" بود تشکیل دادند .
 اما در این در جنگ بین فرانسه و پروس
 بقیه در صفحه ۱۶

درگیری های اخیر لاهیجان

در این درگیریها دو نفر شهید و عده ای مجروح شدند .

فدایان مردم با دیدن آثار یورش
 وحشیانه این افراد ، مغازه ها را تعطیل
 کردند و بعنوان اعتراض ابتدا به جلو
 شهر آری و بعد جلوی فرمانداری رفتند .
 فرمانداری میخواست از مردم تعهد بگیرد
 که مانع فروش نشریات سیاسی شوند
 در ضمن گفت چنانچه فرماندها معرفی
 کنند ، مردم که او را میشناختند و بی
 حيله های او برده بودند ، بشدت اعتراض
 کردند و گفتند "چنانچه اربشت سرخسود
 شماست و از ما سراغش را میگیرید ؟"
 مردم از آنجا به اداره پست رفتند تا
 اعتراض خود را طی تلگراف به سر آری
 ارگانهای دولتی بفرستند .
 روز پنجشنبه چهاردهم اسفند ، بازاریان
 لاهیجان ، مردم را به اجتماعی دربارا
 دعوت کردند . در این روز همفانانها
 به مردم حمله میکنند . منسازها در آن
 تصمیم میگیرند تا رسیدگی به خواسته
 هایشان مبنی بر دستگیری عوامل
 آشوب طلب و چاقو زدن ، تا مبنی
 شهروجران خسارت های وارده ، همچنان
 منازدهای خود را به حالت تعطیل
 نگاه دارند .

درگیری های اخیر لاهیجان منجر
 به شهادت دو نفر و زخمی شدن تعدادی از
 اهالی این شهر شد . در این درگیری ها
 بیست و پنج نفر نیز دستگیر شدند .
 ما چرا از یادها سفند ما بدنبال
 حمله تعدادی از چاقو داران به نیروهای
 مترقی شروع شد . این عناصر به گمانی
 که نشریات سازمانهای سیاسی را می
 فروختند حمله کردند اما با حمایت مردم
 و مغازه دارهای محل در خیابان اصلی
 شهر - از این نیروها مواجه گشته
 و مجبور به فرار شدند . سه روز بعد
 پاسداران در همان محله در دستگیری
 دو دختر که نشریه های مجاهد و زحمتکشان
 را میفروختند ، برآمدند . مردم به
 حمایت برخاستند و سرانجام موفق شدند
 دخترها را از دوا پاسداران را وادار به
 عقب نشینی کنند . بعد از ظهر فانیها
 با چوب و چاقو و سلاح به مردم حمله
 کردند و غروب نیز با تفاق افراد بسیج
 و تحت حمایت پاسداران شهر را به قرق
 خود در آوردند . آنها به دسته های چند
 نفری تقسیم شدند و هر کدام در یک گوشه
 دست به آزار مردم و تخریب زدند . در این
 حمله ، در خیابان اصلی شهر حدود چهارده
 مغازه غارت شد .

بقیه در صفحه ۱۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر